



## اسنادی از توقیف روزنامه های پیکار و نهضت در برلن (1309-1311)

پدیدآورده (ها) : اسماعیلی، علیرضا  
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1377 - شماره 29 و 30  
از 15 تا 38

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92205>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی  
تاریخ دانلود : 12/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



# اسنادی از توقیف روزنامه‌های پیکار و نهضت در برلن

(۱۳۱۱-۱۳۰۹)

تهیه و تنظیم:

اداره کل آرشیو، اسناد

و موزه دفتر رئیس جمهور

به کوشش: علیرضا اسماعیلی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## مقدمه

آزادی محدودی که با پیروزی نهضت مشروطیت در کشور ایجاد شد، دگرگونی بزرگی در نگرش روزنامه‌نگاران و کار روزنامه‌نگاری بوجود آورد. نهضت مشروطه، انحصاری را که دولت از سال ۱۲۹۷ هـ. ق. بر روزنامه‌ها تحمیل نموده بود از بین برد و زمینه را برای روزنامه‌نگاران جهت تنویر افکار مردم بی‌خبر ولی شیفته آزادی و دانش فراهم ساخت.<sup>(۱)</sup>

با ظهور رضاخان در صحنه سیاسی ایران، این آزادی رفته رفته محو گردید و استبداد قبل از مشروطه به نوعی شدیدتر در جامعه حکمفرما شد. نخستین برخورد میان رضاخان و روزنامه‌نگاران در جریان اولین سالگرد کودتای ۱۲۹۹ هـ. ش رخ داد که شماری از روزنامه‌ها به انتقاد از کودتا و دست‌اندرکاران آن پرداختند و جویای مسبب اصلی کودتا شدند؛ رضاخان در پاسخ به روزنامه‌نگاران با انتشار اعلامیه‌ای شدیدالحن، ضمن اینکه خود را مسبب اصلی کودتا معرفی کرد، صریحاً به روزنامه‌نگاران گفت که هرگاه روزنامه‌ای مطلبی در این زمینه منتشر کند، مدیر و نویسنده آن را مجازات خواهد کرد.<sup>(۲)</sup> وقتی روزنامه‌نگاران نسبت به اعلامیه مزبور

واکنش نشان دادند، رضاخان به تهدید آنها پرداخت و اعلام کرد که «بعدها قلم مخالفین را می‌شکنم و زبان می‌برم».<sup>(۳)</sup>

در اعتراض به این اظهارات رضاخان، شماری از روزنامه‌نگاران که از حمایت عده‌ای از نمایندگان مجلس برخوردار بودند، ابتدا در آستانه حضرت عبدالعظیم، سپس در مجلس شورای ملی به بست نشستند. اختلاف روزنامه‌نگاران و رضاخان به استعفای وی از مقام وزارت جنگ انجامید و فرخی یزدی در برابر این کار سردار سپه، در روزنامه طوفان نوشت: «این مسائل نباید وزیر جنگ را عصبانی کرده استعفای ایشان را ملزم نماید، قشون سلحشور مانور نظامی خود را در برابر دشمن می‌دهد نه در مقابل دوست. زور آزمایی فرماندهان نامی به هنگام حمله بدکاران است نه برای رعب آشتایان».<sup>(۴)</sup>

این برخورد و رویارویی روزنامه‌نگاران با رضاخان تنها منحصر به دوران وزارت جنگی و ریاست‌الوزاری وی نبود. از آذرماه ۱۳۰۴ هـ. ش که رضاخان به سلطنت رسید، هیچ روزنامه‌ای جرأت آن را نداشت که علیه حکومت مطالبی بنویسد و اگر چنین موردی نیز پیش می‌آمد، نویسنده و مدیر روزنامه توقیف و زندانی می‌شد.

به این جهت سانسور و توقیف مطبوعات در دوره رضاشاه تا آن حد پیش رفت که بکار بردن واژه کارگر در مطبوعات جرم بود و نظمی رضاشاه پافشاری می کرد که به جای کارگر از واژه عمله استفاده شود، چرا که کارگر وسیله تبلیغ کمونیسم بود.<sup>(۵)</sup> بدین ترتیب معدود روزنامه‌هایی نیز که در داخل کشور منتشر می شدند و به ستایش از اقدامات حکومت می پرداختند، از تیغ سانسور و توقیف دستگاه نظمی رضاشاه به دور نبودند. با این وصف تنها جایی که برای بیان اندیشه‌های مخالف حکومت باقی می ماند، خارج از کشور بود؛ در این راستا گروه‌های مخالف حکومت برای ابراز عقاید خود اقدام به انتشار روزنامه‌هایی در خارج از کشور نمودند.

یکی از این روزنامه‌ها که در سال ۱۳۰۹ ه. ش توسط دانشجویان کمونیست ایرانی مقیم آلمان، در برلن منتشر شد، روزنامه پیکار بود. این روزنامه کاریکاتوری از اژدهایی زمین‌خوار کشیده بود بدین مضمون که رضاشاه اژدهایی است زمین‌خوار که املاک مردم را می بلعد.<sup>(۶)</sup> هنگامی که وزارت امور خارجه ایران از انتشار این روزنامه باخبر شد، با وزیر مختار آلمان در تهران وارد مذاکره گردید و خواستار توقیف روزنامه مذکور و تعیین نویسنده آن شد. دکتر احمد متین دفتری که آشنایی کاملی نسبت به قوانین آلمان داشت، به اتفاق محمدعلی فرزین، وزیر مختار ایران در برلن، مامور مذاکره با مقامات آلمانی در این زمینه شد.<sup>(۷)</sup> محمدعلی فرزین علیه مدیر و نویسنده پیکار به دادگاه برلن شکایت کرد و مدعی شد که مقالات روزنامه مزبور منافعی با شئون کشور ایران است و ایران کشوری کاملاً آزاد و قانونی است و روی اصول دموکراسی اداره می شود.<sup>(۸)</sup> بعد از مذاکرات طولانی بین سفارت ایران و وزارتخانه‌های خارجه و دادگستری آلمان، وزارت دادگستری آلمان با توقیف روزنامه پیکار موافقت کرد، اما برای این منظور با یک مشکل قانونی مواجه بود و آن این بود که بر طبق ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان، در صورتی می شد از توهین نسبت به پادشاه مملکتی در آلمان جلوگیری کرد که چنین قانونی نیز در کشور طرف مقابل وجود داشته باشد.<sup>(۹)</sup> در این زمان کمونیست‌ها در آلمان از قدرت فراوانی برخوردار بودند و قریب هشتاد کرسی از مجلس رایش‌تاک آلمان در دست آنها بود.<sup>(۱۰)</sup> و دادگستری آلمان بیم داشت مبادا در صورت موافقت با توقیف رسمی روزنامه پیکار، بدلیل نبود عمل متقابل در قانون جزای ایران، با مخالفت نمایندگان مجلس مواجه شود. از طرف دیگر در این زمان روابط ایران با آلمان در حد نسبتاً مطلوبی بود و علاوه بر اینکه تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی در آلمان مشغول تحصیل بودند، مقدار زیادی از احتیاجات ایران نیز از این کشور تامین می شد و وزارت خارجه آلمان خواستار حفظ این روابط بود؛ این مسأله باعث شد تا برای مدت کوتاهی پلیس آلمان به دستور دادگستری از انتشار روزنامه پیکار جلوگیری کند و شماره‌های منتشر شده را توقیف نماید.

در نتیجه تحقیقاتی که توسط اداره پلیس برلن به عمل آمد، مشخص شد که مدیر روزنامه پیکار یک نفر کمونیست اتریشی الاصل، به نام دکتر ورناس است که برای جلب نظر اروپا نسبت به اوضاع ایران با کمک کمیته جمهوری طلبان ایران در آلمان و مؤسسه لیگا (موسسه مزبور که خود را

حامی مظلومان جهان و حقوق بشر می دانست، وابسته به شوروی بود و از میان ملیتهای مهاجر در آلمان عضو می پذیرفت. از اقدامات این موسسه، تبلیغات و انتشارات ضد امپریالیستی و ضد استبدادی در میان مهاجرین بود و عده‌ای از دانشجویان ایرانی کمونیست مقیم آلمان، مانند مرتضی علوی، دکتر احمد امامی، محمد پوررضا و احمد اسداف اقدام به انتشار روزنامه مذکور نموده است.<sup>(۱۱)</sup>

از آن جا که مرتضی علوی و عده‌ای از دانشجویان ایرانی مقیم آلمان گردانندگان اصلی روزنامه پیکار بودند، سفارت ایران حداکثر تلاش خود را برای متقاعد نمودن مقامات آلمانی به تبعید آنها از آلمان به عمل آورد، اما وزارت امور خارجه آلمان به دلیل نفوذ کمونیست‌ها در آن وزارتخانه و به بهانه موانع قانونی ناشی از عمل متقابل در ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان، از تبعید آنها خودداری می کرد.<sup>(۱۲)</sup> دولت ایران برای سلب هر گونه بهانه‌ای از مقامات آلمانی در مورد عمل متقابل ماده ۱۰۳ جزای آلمان، ماده واحده‌ای در این زمینه از تصویب مجلس شورای ملی گذراند.<sup>(۱۳)</sup> اما این بار نیز دادگستری آلمان به بهانه اینکه ماده مزبور بعد از انتشار روزنامه پیکار به تصویب رسیده و قانون عطف به ماسبق نمی شود، از توقیف رسمی روزنامه پیکار و محاکمه مدیر و نویسنده آن خودداری می کرد و تنها بر اثر فشار وزارت امور خارجه ایران به توقیف شماره‌هایی که منتشر می شد اکتفا می نمود.<sup>(۱۴)</sup>

در داخل کشور نیز علی‌رغم مراقبت شدید نظمی، شماره‌هایی از روزنامه پیکار در درون بسته‌های پستی، در شهرهای مختلف توزیع شد که سروصدای زیادی به پا کرد. در تاریخ نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ ه. ش هفت شماره از روزنامه پیکار که از برلن برای مدیران روزنامه‌های تهران ارسال شده بود، در پستخانه مرکزی تهران توقیف گردید.<sup>(۱۵)</sup> به دنبال این مسأله سفارت ایران در برلن شدیداً به وزارت امور خارجه آلمان اعتراض کرد و خواستار جلب دکتر ورن (مدیر پیکار) به دادگاه و تبعید مرتضی علوی (نویسنده پیکار) از آلمان شد.<sup>(۱۶)</sup>

سرانجام درخواستهای مکرر وزارت امور خارجه ایران باعث شد تا پلیس مخفی برلن به خانه دکتر ورن ریخته و شش شماره روزنامه پیکار را ضبط کند و مدیر چاپخانه را نیز توقیف نماید؛ همچنین وزارت امور خارجه آلمان به سفارت ایران قول داد که از تحریکات مرتضی علوی علیه ایران جلوگیری کند.<sup>(۱۷)</sup> این اقدامات باعث اعتراض شدید کمونیست‌های آلمان و چاپ مقالاتی توسط آنها در روزنامه‌های کمونیستی آلمان گردید.<sup>(۱۸)</sup>

در این زمان نسخه‌هایی از روزنامه پیکار در نقاط مختلف شوروی توزیع شد و این مسأله باعث اعتراض ایران به مسکو گردید.<sup>(۱۹)</sup> فتح‌آقا پاکروان، وزیر مختار ایران در مسکو، ضمن ملاقات با کاراخان، قائم مقام کمیساریای خارجه شوروی، اعلام کرد که اکثر مقالات روزنامه پیکار توسط اشخاصی مانند ابوالقاسم لاهوتی و ابوالقاسم دزه در مسکو نوشته و به برلن فرستاده می شود و سفارت شوروی در برلن در این زمینه نقش واسطه را دارد.<sup>(۲۰)</sup> اگر چه کاراخان اظهارات وزیر مختار ایران را تکذیب

## پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - محیط طباطبائی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران (تهران: بعثت، ۱۳۶۶)، ص ۱۸۲.
- ۲ - عبدالرحیم ذاکر حسین، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، چاپ دوم (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰)، ص ۸۶.
- ۳ - همان، ص ۸۷.
- ۴ - همان، ص ۹۱.
- ۵ - همان، ص ۱۱۹.
- ۶ - حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵ (تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۲)، ص ۱۸۳.
- ۷ - ن.ک: سندهای شماره ۲۰۱.
- ۸ - حسین مکی، پیشین، ص ۱۸۳.
- ۹ - ن.ک: سند شماره ۵.
- ۱۰ - محمدصدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، چاپ دوم (اصفهان: کمال، ۱۳۶۳)، ص ۹۰.
- ۱۱ - ن.ک: سند شماره ۶.
- ۱۲ - ر.ک. مرکز اسناد ریاست جمهوری، دفتر اسنادی از توفیق روزنامه‌های پیکار و نهضت در برلن (۱۳۱۱-۱۳۰۹ ش)، سند شماره ۹.
- ۱۳ - ن.ک. سند شماره ۸.
- ۱۴ - ر.ک. مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان، سندهای شماره ۱۶/۲ - ۱۶/۳.
- ۱۵ - ن.ک. سند شماره ۷.
- ۱۶ - ن.ک. سند شماره ۸.
- ۱۷ - ن.ک. سند شماره ۱۰.
- ۱۸ - ن.ک. سند شماره ۹.
- ۱۹ - ن.ک. سند شماره ۲۴.
- ۲۰ - ن.ک. سند شماره ۱۴.
- ۲۱ - محمدصدر هاشمی، پیشین، ص ۹۰.
- ۲۲ - ن.ک. سند شماره ۲۰.
- ۲۳ - ن.ک. سند شماره ۲۱.
- ۲۴ - محمدصدر هاشمی، پیشین، ص ۹۰.
- ۲۵ - حسین مکی، پیشین، ص ۱۸۳.
- ۲۶ - ن.ک. سند شماره ۲۶.
- ۲۷ - ن.ک. سند شماره ۲۷.
- ۲۸ - ن.ک. سند شماره ۲۸.
- ۲۹ - ر.ک. مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان، سند شماره ۴۵/۲.
- ۳۰ - مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۶، چاپ چهارم (تهران: زوار، ۱۳۷۱)، ص ۲۰۲-۲۰۳.
- ۳۱ - ن.ک. سند شماره ۳۰.

نمود و وجود هرگونه ارتباطی بین سفارت شوروی در برلن و متصدیان روزنامه پیکار را رد کرد، اما مدارک و اسنادی که در روزنامه منتشر می‌شد، حکایت از آن داشت که این کار تنها از دست مرتضی علوی یا چند نفر محصل ایرانی مقیم آلمان بر نمی‌آید و مسلم بود که دسترسی به آن گونه اسناد و مدارک فقط از عهده یک دولت با سازمانهای منظم ساخته است. (۲۱)

دولت ایران هنوز گرفتار جریان روزنامه پیکار بود که روزنامه جدیدی به نام نهضت در برلن منتشر گردید. (۲۲) روزنامه مزبور که با مدیریت رینکا و نویسندگی محمد فرخی یزدی منتشر می‌شد، بعنوان دنباله روزنامه پیکار، توسط پلیس برلن توقیف شد. (۲۳) در این زمان محمد فرخی یزدی که به اتفاق سالار منظم سنجابی از ایران فرار کرده و به برلن رفته بود، به دسته نویسندگان روزنامه پیکار محلق شده، مقالاتی در روزنامه مزبور می‌نوشت. (۲۴) به گفته حسین مکی هنگامی که مرتضی علوی از آلمان تبعید شد، فرخی جای او را گرفت و روزنامه نهضت را منتشر کرد. (۲۵) در گزارشی که سفارت ایران در برلن، در تاریخ هجدهم فروردین ۱۳۱۱ ه.ش به وزارت دربار ارسال داشت، پیشنهاد کرد که برای وادار نمودن دولت آلمان به محاکمه متصدیان روزنامه‌های پیکار و نهضت، دولت ایران روابط اقتصادی خود با آن کشور را قطع کند. (۲۶)

سرانجام با فشارهای ایران نخستین جلسه محاکمه متصدیان روزنامه‌های پیکار و نهضت، علی‌رغم تاکید ایران بر سری بودن جلسات دادگاه، با حضور نمایندگان مطبوعات آلمان برگزار شد و مدیر روزنامه نهضت به سه ماه حبس محکوم گردید. (۲۷) در جلسات بعدی دادگاه، به علت جنجال تبلیغاتی گسترده‌ای که روزنامه‌های کمونیستی آلمان علیه نحوه برگزاری جلسات قبلی دادگاه و رای صادره از طرف آن به راه انداختند، (۲۸) دادگاه برلن رای به تبرئه متصدیان روزنامه‌های پیکار و نهضت داد و این امر باعث تیره شدن روابط ایران با آلمان شد. (۲۹)

در سال ۱۳۱۱ ه.ش که عبدالحمین تیمورتاش، وزیر دربار رضاخان برای مذاکره با انگلیسیها درباره نفت به لندن رفت، در برلن با محمد فرخی یزدی ملاقات کرد و به او تامین داد که به ایران بازگردد، او هم فریب وعده تیمورتاش را خورد و به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۸ ه.ش به وضع فجیعی در زندان قصر کشته شد. (۳۰) بعد از مسافرت تیمورتاش به اروپا و دیدار وی از برلن و تغییراتی که با به قدرت رسیدن ناسیونال سوسیالیستها در حکومت آلمان به وجود آمد، روزنامه‌های پیکار و نهضت دیگر در آلمان اجازه انتشار نداشتند، اما روزنامه پیکار همچنان در سایر کشورهای اروپایی منتشر می‌شد. (۳۱)

## سند شماره ۱

### انتشار روزنامه پیکار در برلن

وزارت امور خارجه - اداره کل امور سیاسی - اداره اروپا و آمریکا - نمره ۳۴۲۹۲/۱۲۰ - تاریخ ۹/۱۲/۱۸ [۱۳۰]

وزارت جلیله دربار بهلوی، مطابق تلگراف واصله از سفارت شاهنشاهی مقیم برلن، اوراقی بزبان فارسی و در تحت عنوان پیکار در آن جا طبع گردیده، به وزارت پست و تلگراف و اداره تشکیلات نظمی و گمرکات نوشته شد که از ورود و انتشار آنها جلوگیری نموده نتیجه را اطلاع دهند.

نظر به اینکه سفارت برلن مشغول جمع آوری و توقیف اوراق فوق الذکر می باشد، با سفارت آلمان در طهران مذاکره شد که از وزارت خارجه برلن تقاضا نمایند با سفارت ایران مساعدتهای لازمه در توقیف اوراق و تعیین نویسنده آن بنمایند و همینطور وعده دادند. هرگونه اطلاع دیگری راجع به موضوع ورقه منتشره و غیره برسد، ثانیاً به استحضار خاطر مبارک خواهد رسانید.

حسنعلی غفاری [امضاء] [مهر وزارت امور خارجه]

## سند شماره ۲

### گزارش دکتر متین دفتری در مورد مذاکراتش با مسؤولین وزارت امور خارجه آلمان درباره انتشار روزنامه پیکار در برلن

سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس - اداره سرپرستی محصلین - تاریخ ۱۳۱۰/۱/۵ - نمره ۱۰۳

دوست محترم عزیزم - در تعقیب معروضه نمره ۶۰۹۰ اینک سواد را برتی که توسط آقای دکتر میرزااحمدخان متین دفتری راجع به قصد روزنامه پیکار واصل شده برای استحضار خاطر محترم تلواً تقدیم و ضمناً معروض می دارد: که به مشارالیه نوشته شده که با استحضار جناب مستطاب اجل آقای فرزین و کمک جناب آقای کنت شولنبورگ<sup>(۱)</sup> اقدامات لازمه را تعقیب و اهتمام نمایند که ریشه فساد بکلی قطع و از طبع این روزنامه جلوگیری شود.

حسین علاء [امضاء]

۱ - در اصل: شولدنبرگ

## سند شماره ۲/۱

سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس - اداره سرپرستی محصلین

راجع به جریانات برلن و تبلیغاتی که بر علیه دولت علیه در این جا شروع شده و اسباب نگرانی حضرت اشرف عالی شده است و روز خداحافظی توصیه هایی به این بنده فرمودید، اتفاقاً خود آقای فرزین در اولین ملاقات این موضوع را عنوان فرمودند و نظر به مذاکراتی که در قسمت تعقیب جزایی متصدیان روزنامه جریان پیدا کرده و مصادف با مشکلات قانونی شده بود، از بنده خواهش کردند که از نقطه نظر فنی و حقوقی با ایشان کمک کنم. روز بعد مجلسی در وزارت خارجه مرکب از مستشاران حقوقی و متصدی امور ایران و کنت شولنبورگ<sup>(۱)</sup> وزیر مختار طهران تشکیل شده آقای فرزین و این بنده در مجلس مزبور شرکت نمودیم و بعد از مطالعات راه حل مطلوبی پیدا کردیم که به تعقیب جزایی به جریان افتد و محسوس بود که اولیای وزارت خارجه میل دارند در این کار با منظور دولت علیه مساعدت کنند ولی خودشان دچار محظورات سیاست داخلی هستند. اشکالاتی از نقطه نظر پرسودور<sup>(۲)</sup> و مقررات قانون جزای آلمان و سکوت قانون جزای ایران در مسأله معامله متقابله نسبت به توهین به سلاطین و رؤسای ممالک خارجه بود که همه را رفع کردیم و کار

به جریان افتاده است و قدم اول آن توقیف شماره اول و دوم روزنامه است که گمان می‌کنم همین امروز یا فردا صورت بگیرد، مخصوصاً بنده تذکر دادم که محاکمه جزایی این امر ممکن است معایبی داشته باشد که باید از حالا پیش‌بینی نمود. یعنی احتمال دارد متهمین میدانی بدست آورده نقطه‌هایی آتشین در محکمه مبنی بر حمله به مقامات عالیه ایران بکنند و در جراید اروپا منعکس و اسباب افتضاح شود. در این قسمت هم قرار شد دستورات لازم به مدعی العموم کل بدهند که کار را با حزم و احتیاط دست مامورین آزموده بسپارند که از این پیشامدهای ناگوار هم جلوگیری شود. امروز که به بازدید دکتر گروبا<sup>(۳)</sup> رفته بودم اطلاع داد که [مرتضی] علوی که یکی از مؤسسين مهم این دستگاه است، همین دو روزه بعنوان انقضای مدت تذکره و اجازه توقف در خاک آلمان اخراج خواهد شد. البته این خبر قبل از وقوع آن محرمانه است.

۱ - در اصل: کنت شولدنبرگ

۲ - رویه قضایی

۳ - در اصل: گروبا

### سند شماره ۳

## گزارش وزیر مختار ایران در آلمان (محمدعلی فرزین) در مورد اقدامات بعمل آمده جهت تعقیب و محاکمه عاملین انتشار روزنامه پیکار

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن - مورخه یازدهم ماه فروردین ۱۳۱۰ (۳۱ مارس ۱۹۳۱) - نمره ۲۰ - ضمیمه نه فقره و دو شماره ورقه پیکار - محرمانه است، سواد

خدمت ذی شوکت جناب اشرف آقای فروغی وزیر امور خارجه دامت شوکت - علاوه بر تلگرافات نمره ۸۲ و ۸۳ و ۸۶ که در باب انتشار ورقه پیکار به عرض رسانیده است، راپورتی هم به مقام وزارت جلیله دربار پهلوی تقدیم داشته‌ام که سواد آن را لفاً ملاحظه می‌فرمایید. در چند روزه اخیر با وجود مراقبتهایی که از طرف نظمیه برلن می‌شود، باز شماره دویمی از ورقه مزبور طبع شده است. با مذاکرات متوالی که در این چند روزه بین سفارت و وزارت خارجه و عدلیه مملکتی و نظمیه پروس به عمل آمده، از قراری که امروز خیر رسید بالاخره، عدلیه اجازه جلب مباشرین و توقیف ورقه را به نظمیه پروس داده است. برای اینکه قضیه بخوبی روشن شود، گزارش احوال را قدری بتفصیل عرض میکنم: اولاً تصور نفرمایید که تهیه مطالب و طبع و نشر و مصارف این ورقه و امثال آن یک کار عادی و مختصری باشد که اساساً از ناحیه چند نفر محصل ایرانی و به دست آنها اداره و اشاعه شود. مؤسسات کومونیست بعد از خاک روسیه در مملکت آلمان قویتر و مفصل‌تر از هر مملکت دیگری شده است و قسمت عمده از نشریات را که کومونیست‌ها صلاح نمیدانند در خود روسیه اشاعه شود، در نقاط مختلفه مملکت آلمان تهیه و منتشر می‌کنند. عدد کومونیست‌ها در آلمان تقریباً به شش میلیون نفر بالغ شده و وکلای آنها در رایشتاخ و مؤسسات انتخاباتی دیگر آلمان، حزب فوق‌العاده قوی و جسوری را تشکیل داده است که گاهی در امور داخلی و مملکتی خود آلمان دولت را دچار مشکلات بی‌شمار گذاشته و مستأصل کرده است. روزی نیست که نمایشات و زد و خوردهایی در یکی از نقاط برلن و سایر شهرهای آلمان واقع نشود. علاوه بر تعرضاتی که دائماً بر امور خود دولت و مربوط به مملکت آلمان دارند، تبلیغاتی را هم برای معالک سایر و ملل دیگر در نظر دارند بوسیله تشکیلات متعدده و بالسنه مختلفه هر مملکتی در این جا تهیه و منتشر میکنند. من جمله مؤسسه موس به لیگا (liga) از چندین سال به اینطرف در آلمان برپا کرده و از ملل مختلفه که در آلمان زندگی می‌کنند معدودی که وسیله معاش ندارند در آن مؤسسه وارد و نگاهداری می‌کنند و به اسم حمایت از ملل مظلومه آنها را به یگدیگر نزدیک و شکم آنها را سیر کرده‌اند و هر قسمت آنها را به جان ملت و مملکت خود انداخته‌اند و بعنوان رفع ظلم و طلب حقوق ملی خود، در واقع مجموع آنها را به تبلیغات مرام کومونیست واداشته‌اند. در این دستگاه چند نفری از هموطنان عزیز بنده هم که بویی از محبت و وطن و ملت و مملکت به مشامشان نرسیده است، سرسپرده‌اند و هر چندی در ازای ترجمه مقالاتی که از آن دستگاه بیرون می‌آید و یا مباشرت در طبع و نشر مجلات وجه معاش می‌گیرند و به این زندگانی بی‌شرف و بی‌آبرو راضی هستند. در چهار هفته قبل در شهر لایپزیک دستگاه و بساط عظیمی بتوسط پلیس کشف شده و عبارت از بنای مفصلی بوده است که جماعتی در آن سکنی و در قسمت‌های تختانی چرخ و

اسباب و ماشینهای مفصل مطبوعه بوده و بچندین زبان من جمله به ۵ زبان شرقی روزنامه و مجله و اوراق تبلیغات کمونیستی طبع و نشر می شده است و نظمی محل عدّه ای [از اشخاص و کلیه بساط آن مؤسسه و هزاران اوراق و مجلات طبع شده را توقیف کرده است. نظیر این مؤسسات متعدد در نقاط مختلفه آلمان و در همین شهر برلن هم وجود دارد. برای کشف و رقه پیکار زحمتی نبوده است، زیرا عنوان مدیر طبع و مسئول آن را نوشته است. اشکال در توقیف و جمع آوری اوراق و تعقیب مسئولین است. برای تعقیب این امر بنده دچار محظورات و مشکلات دقیقی بوده و هستم. از این قرار بدیهی است که دقیقه ای نمی توانستم تعقیب مطلب را فروگذار و خودداری کنم. چنانکه اقدام هم شد و لکن اشکال بدوی امر این بود که وزارت عدلیه بدون آنکه یک شکایت نامه و عرض حال تسلیم شده باشد، بموجب قانون نمی توانست وارد در مطلب شود و بنده هم نمی خواستم از طرف بنده و سفارت ایران چیزی به فرمول عرض حال داده شود. وزارت خارجه آلمان در این منظور بنده موافقت و همراهی می کرد ولی وزارت عدلیه نمی خواست از وزارت خارجه حرفی بپذیرد. بنده به وزارت خارجه می گفتم ابدأ سروکاری با عدلیه و مقامات دیگر ندارم، مأمور سیاسی هستم، حفظ و صیانت دولت و مقامات مملکتی خود را در خاک آلمان از وزارت خارجه آلمان میخواهم. به طوری که در اوراق ضمیمه ملاحظه می فرمایید شروع مطلب را بوسیله یک مراسله خطاب به رئیس اداره شرف وزارت خارجه کرده ام و پس از آن یکی دو یادداشت نوشته ام که حتی الامکان از طریق مکاتبه شدت زیادی به مطلب داده باشد، ولی در تعقیب و مذاکرات همه روزه فوق العاده اصرار کرده ام و اهمیت موضوع را خاطر نشان کرده ام. عاقبت منتهی شده است به اینکه چند مجلس با رؤسای وزارت خارجه شده که من جمله در یک مجلس آقای کنت شولنبورگ هم در برلن بودند حاضر بود و آقای دکتر متین دفتری را هم که اتفاقاً وارد برلن شده بودند همراه بردم و با حضور مستشار وزارت عدلیه مذاکرات مفصل شروع شد. وزارت عدلیه محظورات خود را در اینکه بدون رعایت مراحل قانون نمیتواند اقدامی بکند ذکر می کرد و برای اینکه بتواند شروع به کار نماید فرمولی بعنوان شکایت نامه یا عرض حال پیشنهاد می کرد که سفارت ایران بنویسد و آنها مطابق مواد قانون اقدام کنند. خودداری بنده از نوشتن این فرمول عرض حال برای این بود که نمیخواستم به نام دولت ایران عرض حال داده باشم و مطلب را در ظاهر آنقدر اهمیت بدهم که در محاکم علنی عدلیه طرح و موضوع بحث در جراید خارجه آلمان و بلکه تدریجاً جراید اروپا و برخلاف منظور سبب انتشار در السنه و افواه شود (مخصوصاً اینکه انتشار مطلب در جراید خارجه عین مقصود کمونیست ها و نویسنده است) این است که بالاخره نمایندگان قضایی را راضی کردم به اینکه در عوض این فرمول باز شرحی به وزارت خارجه آلمان بنویسم و آن برای مدعی العموم کل کافی باشد و آن عبارت از چند سطر است که به نمره ۱۹۶۳/۱۹ نوشته و به وزارت خارجه فرستاده ام. باید عرض کنم که ضمن مدت این مباحثات وزارت امور خارجه از هر گونه همراهی مضایقه نکرده و وزارت عدلیه هم حکم تعقیب امر را به نظمی داده بود و این اصرار آنها در فرمول بازی و ظاهر آرای فقط از لحاظ آن است که باز اگر مطلب در دست وکلای سوسیالیست و کمونیست بیافتد مثل دفعه گذشته در پارلمان ایرادی بر آنها بشود، پیش بینی مراحل قانونی را کرده باشند و در این مورد مطلب دیگری پیش آمد که باید عرض و مخصوصاً خاطر محترم را متذکر کنم که اگر در قانون جزای عدلیه ماده ای [که جواب مطلب را بدهد هنوز نداشته باشیم به نحوی که مقتضی باشد، فکر آن را فرمایید و آن این است که پس از آنکه بالاخره وزارت عدلیه را حاضر به اقدام کردیم، ستوالی از وزارت خارجه کرده است که اگر ما بر طبق ماده ۱۰۳ قانون جزای خودمان (عبارت ماده در ورقه ضمیمه است) اقدام به تعقیب این امر بکنیم، آیا معامله متقابله با ما می شود یا خیر. وزارت خارجه آلمان پس از تفحص بسیار که چنین ماده را در قوانین جزایی مانیافت، از بنده خواست که در این باب چه باید کرد و جواب وزارت عدلیه را چه بدهیم. بنده به آنها گفتم شما وزارت عدلیه را مطمئن کنید که بر فرض هم ماده متقابلی در قانون جزای ما نباشد، عملاً رعایت این موضوع شده و میشود و البته صورت قانونی آن هم به نحوی که مقتضی باشد با ماده خواهد شد. اصرار زیادی نکردند و دنباله کار را ادامه دادند ولی مترصد آن هستند که اگر این معامله متقابله در محل خود بشود و ماده ثابتی باشد. استدعا می کنم در باب این موضوع بخصوص هر نظری باشد و هر اقدامی خواهد شد بنده را جداگانه مستحضر فرمایید که در موقع جواب صریح به آنها بدهم. امروز مراسله ای از وزارت خارجه آلمان که سواد آن هم ضمیمه است به بنده رسید، مشعر بر اینکه از طرف مدعی العموم کل اوراق پیکار توقیف و مباشرین عمل تعقیب شده اند. شاید خاطر محترم متوجه شده باشد که در انجام وظایف هیچوقت عادت به هیاو و خودنمایی نداشته باشم و لهذا حاجت به تصدیق نمی بینم که در این مدت با چه مرارتی و چه طرز عملی بالاخره وزارت امور خارجه و وزارت عدلیه آلمان را در مقام آن آورده ام که مشکلات و موانع قانونی خودشان را بر خود تحمیل کنند و در انجام مسئول بنده اقدام و مساعدت کنند و گذشته از آن حالا که موفقیت حاصل شد تلافی هر مرارتی می شود ولی مطلب اینجاست که تازه بنده دچار زحمت اشتداد شرارت معدودی از هم وطنان بیشرف و بی آبروی خود هستم و ضمناً مراقبتهایی هم که البته ظاهر نیست از مقامات کمونیستی و پارتی های محلی نسبت به بنده وجود خواهد داشت، خاصه اینکه در مذاکره و درصدد هستم از دو نفر از ایرانیهایی که بلاشک و مستقیماً در مباشرت این کار دخیل هستند از آلمان تبعید کنند و عجلتاً

سپرده‌ام تذکره آنها را تجدید نکنند تا ببینم<sup>(۱)</sup> با نظمی و عدلیه برلن در این باب چطور باید کنار آمد.

درد بیدرمان این است که راپورت‌های خودم را هم نمی‌توانم و جرأت و اعتماد نمی‌کنم از راه روسیه بتوسط پست بفرستم و همین راپورت را هم چندین روز است نگاهداشته‌ام تا آقای شولنبرگ مراجعت کند بتوسط ایشان ارسال دارم. کنت شولنبرگ می‌آید طهران، به نظر بنده برای اینکه اقدامات بنده در این جا تأیید شود خیلی مفید خواهد بود با مشارالیه مذاکره و تأکید فرمایید به وزارت خارجه آلمان یادآوری کند که بر مساعدت خود نسبت به این کار بیفزایند. شاید بقدری که با قوانین محلی امکان پذیر باشد بتوان ریشه فساد را از این جا کند. تصور می‌کنم لازم باشد مطلبی را که بالطبع با این موضوع دست به گریبان است به عرض برسانم. سابقاً عرض کرده‌ام باز هم تصدیق می‌دهم از جوانان ایرانی که در اروپا آلوده باین فساد احوال و اعمال می‌شوند کمتر اتفاق می‌افتد از روی عقیده و مرامی باشد، بلکه بیشتر مقدمه این رذالت از پریشانی و فلاکت و استیصال در امر معاش است که در آن حال دست توسل به دامان هر عامل فساد و مضری دراز می‌کنند و آلت اجرایی هر مقاصدی می‌شوند. اگر مقرر فرمایند به راپورت‌های متعدد از چندی به این طرف که عرض کرده‌ام مراجعه کنند، در باب اوضاع پریشان عده زیادی از جوانان ایرانی به نام محصل که در بین آنها حقیقتاً چند نفری معقول و محصل واقعی هست بدل توجه خاصی بشود که اگر کسانی دارند و وجه نمی‌فرستند مجبور کنند وجه مخارج برای آنها بفرستند. اگر دارند و میخواهند بفرستند در کمیسیون اسعار اجازه داده شود وجه آنها را ارسال دارند. اگر کسی را ندارند یا کسی دارند و استطاعت رساندن وجه ندارند از هر محلی باشد با هر سرعتی که ممکن است مبلغی معادل با خرج سفر معاودت آنها به ایران ارسال شود، از این جا روانه ایران شوند. صورت اسامی اشخاص را مکرر در ضمن راپورت‌ها تقدیم داشته‌ام باز هم مجدداً تصدیق میدهم فرنگستان است حضرت بندگان عالی به جزئیات مشاهده فرموده‌اید یک نفر آدم در ۲۴ ساعت اگر بقدر نان و پنیر و کرایه منزل نداشته باشد یا باید در کوچه بخوابد که پلیس مانع است یا باید مرتکب سرقت و اعمال ناشایسته بشود و اگر از عهده این کار هم بر نیاید انتحار می‌کند. آیا اگر در میان ایرانیان عده‌ای [دچار این فلاکت شده باشند تصور نمی‌فرمایید هر روز هر یک از آنها رابه هر دین و آئین و مرام و عملی می‌توانند ببرند و امروز از این قبیل عده‌ای] در میان ایرانیان هست که اگر چند صباحی هم به این منوال بگذرد ممکن است عامل هر نوع عمل ناشایسته بشوند. می‌دانید که تا کار به استخوان نرسد گریه و زاری نمی‌کنم و می‌دانید که دیناری هم تمکن و استطاعت شخصی ندارم، تا امروز ۴۶۰۰ مارک قرض شخصی با تنزیل صدی نه کرده‌ام و صد مارک و دو یست مارک و چهارصد مارک از چنین اشخاص که مثل مجنون و گرسنه و از جان خود سیر شده هر روزه در سفارت بر سر من می‌ریزند، دستگیری کرده‌ام و هنوز هم همه روزه مبتلا هستم. هر چه فریاد میکنم بدل عنایتی به عرایض نمی‌شود و عرض کردم اگر باز به این منوال بگذرد عاقبت نامطلوبی را پیش بینی می‌کنم. حالا چون این جملات از موضوع راپورت بنده خارج است در این باب تصدیقی نمی‌دهم استدعا دارم در قسمت‌های اولیه راپورت اگر هر گونه نظری و دستوری باشد امر به صدور فرمایند اسباب مزید تشکر است.

محمدعلی فرزین [امضاء]

۱ - در اصل: به بینم

#### سند شماره ۴

### توقیف روزنامه پیکار، تعقیب متصدیان آن و وابستگی مدیر روزنامه به کمونیسم بین‌الملل

سفارت شاهنشاهی ایران برلن - مورخه یازدهم ماه فروردین ۱۳۱۰ - نمره ۲۱ - ضمیمه اصل و ترجمه روزنامه مونتاج مرگن - محرمانه است - سواد است.

خدمت ذی شوکت جناب اشرف آقای فروغی وزیر امور خارجه دامت شوکت - بطوری که در راپورت جداگانه عرض کرده‌ام، با وجود موانع و اشکالاتی که وزارت عدلیه و امور خارجه آلمان در کار خود می‌دیدند، بالاخره موفق شدیم که حکم توقیف ورقه پیکار و تعقیب مباشرین امر را صادر کرد و اداره پلیس برلن هم حکم صادره را اجرا کرد. چنانکه عرض کرده بودم توقیف ورقه و تعقیب متصدیان این کار قابل انصراف و اغماض نبود، زیرا ادامه این کار رفته‌رفته توسعه پیدا می‌کرد و هر روز به شکل تازه و با عبارات و



عناوین دیگری دامنه جسارت و توهین را بسط می‌داد و بعلاوه انتشار این قبیل اوراق در میان جوانان محصل ایرانی فوق‌العاده مضر و نامطلوب بود و از طرفی هم همان طور که به عرض رسانده‌ام انتشار این مطلب و افتادن بدست جراید اروپایی را مناسب نمی‌دانم و به همین نظر بود که به مستشار عدلیه فهماندم که منظور من تنبیه مباشرین امر و جلوگیری از تکرار آن است و ضمناً هم مقید هستم طوری نباشد که جراید برای خود موضوع بحثی بدست آورده باشند. مقصود را ملتفت شد و مراقبت هم کرده‌اند، معهداً واضح است موضوعی که اسباب توقیف و جلب و محاکمه و تنبیه بشود فقط تا حدی می‌توان آن را محفوظ داشت. امروز در یک روزنامه که اصل و ترجمه آن لفاً ارسال حضور عالی می‌شود شرحی [در] اعتراض بر توقیف ورقه و جلب اشخاص نوشته شده است. نویسنده این شرح همان مدیر و مسئول ورقه پیکار است. شخصاً آلمانی و کمونیست و متصل به مقاماتی است که گرداننده این بساط در آلمان و در همه جای دنیا هستند. البته این شخص و همکاران او که در موقع مشکلی واقع شده‌اند دست و پا می‌زنند. پریروز عصر با یک اسم مجهولی بوسیله تلفن بنده را تخویف هم می‌کنند ولی بنده اعتنایی ندارم و به هیچوجه اهمیتی نمی‌دهم و تقریباً هم توانسته‌ام قیاس کنم از چه ناحیه [ای] شده و می‌شود. این قسمت مطلب قابل اعتنا نیست فقط اینکه موضوع در دست بحث جراید واقع شود بنظر بنده نامناسب می‌آید. لهدا در این قسمت و اینکه تا چه اندازه مقتضی باشد که مطلب تعقیب شود، اگر چیزی بنظر حضرت اشرف عالی برسد استدعا دارم تلگرافاً و رمزاً بنده را هدایت و کمک فرمایید. بدیهی است در دنباله امر هم اگر مطلب تازه [ای] پیش آید راپورت خواهم کرد.

محمدعلی فرزین [امضاء]

## سند شماره ۵

### درخواست عدلیه آلمان مبنی بر موافقت رسمی ایران با عمل متقابل در تعقیب عوامل متخلف مطبوعاتی، به استناد ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان

سفارت شاهنشاهی ایران برلن - مورخه یازدهم ماه فروردین ۱۳۱۰ - نمره ۲۲ محرمانه است - سواد است

خدمت ذی شوکت جناب اشرف آقای فروغی وزیر امور خارجه دامت شوکت

در راپورت جداگانه عرض کرده بودم که وزارت عدلیه آلمان برای تعقیب مسئله ورقه پیکار، ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان را جلو گذاشته و می‌خواست که در باب عمل متقابل نوشته [ای] از بنده در دست داشته باشد. بنده پس از مذاکرات مفصل آنها را قانع کردم که در اقدام خودداری نکنند و در این باب هم فکری می‌شود. در چهار شب قبل بعنوان مهمانی که برای خداحافظی کنت شولنبورگ در سفارت فراهم کردم، دو نفر مستشار عدلیه و رئیس قسمت قضایی وزارت خارجه را هم با سایر رؤسای ادارات وزارت خارجه دعوت به شام و مفصلاً پذیرایی کردم. البته این پذیرایی در نظر آنها خیلی مرغوب و در ضمن برای کاری هم که در میان هست خیلی مفید و مؤثر بود. معهداً در ضمن صحبتی که با رئیس اداره شرف و یکی از مستشارها می‌کردم، باز تکرار و تأکید می‌کردند که مدعی العموم کل با اینکه مستمسک‌های قانونی خود را کافی نمی‌دانست، معهداً با شما مساعده کرده حکم به تعقیب و توقیف را داده است و لکن چون اتکای مدعی العموم برای اقدام به تعقیب اشخاص فقط به ماده ۱۰۳ قانون جزاست و در متن ماده شرط معامله متقابل صریحاً گفته شده، ممکن است وقتی شروع به محاکمه اشخاص بکنند این نکته مورد تعرض واقع شود. لهدا خوب است در این باب یادآوری به دولت خودتان بکنید و اقدام در تسهیل امر را بخواهید. باز به آنها جواب گفتم انتظار من این است که شما کار خودتان را متوقف به این موضوع نگذارید، ضمناً من هم به مقاماتی که لازم است یادآوری می‌کنم. امروز مجدداً از آقای کنت شولنبورگ خواستم مرتبه دیگری به رفقای وزارت خارجه خود تأکید کند که از مساعدت در تعقیب مطلب فروگذار نکنند. ایشان هم مشکلات و محظورات وزارت عدلیه را تأیید می‌کردند. این است که استدعا می‌کنم در این باب آنچه تصور فرمایید مقرون به صلاح و محتاج به اقدام باشد اقدام و مقرر فرمایید نتیجه را تلگرافاً به بنده اطلاع دهند.

محمدعلی فرزین [امضاء]

## گزارش اداره پلیس آلمان در مورد فعالیت کمیته جمهوری طلبان ایرانی و رابطه آنها با لیگا و متصدیان روزنامه پیکار

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن

ترجمه راپورت تحقیقات اداره پلیس که به وزارت خارجه آلمان فرستاده است

در باب مراسله ششم ماه جاری نمره ۵۷۴۳/۳۱/۳ ذیلاً اطلاع می‌دهد یک کمیته جمهوری طلبان ایرانی از طهران به طور غیرقانونی در اینجا وجود دارد و کمیته مزبور تا اوایل یک سال قبل موسوم به جمعیت جمهوری طلبان ایران بوده و در اوراق و نوشتجات خود یک مهر بیضی شکل لاستیکی به اسم فوق‌الذکر می‌زده است. این کمیته علاوه از ایران در برلن، پراگ، زوریخ، ژنو، کلن، بروکسل، پاریس، حیفا و دهلی نماینده و اشخاص طرف اعتماد دارد.

قصد این کمیته عامله این است که در طبقه متورالفکر ایرانی، در خارجه و مخصوصاً به محصلین افکار جمهوری طلبی را تزریق نماید تا در ایران جمهوری برقرار نمایند. این کمیته کمونیستی است و از قرار معلوم با (لیگا) که خود را طالبین حقوق بشر می‌داند و خود را حامی حقوق ملل مظلومه قرار داده است روابط خیلی نزدیک دارد. این کمیته می‌خواهد بوسیله تبلیغات و نشریات نظر اروپا را به اوضاع ایران جلب نماید. تا به حال معلوم نشده است که نماینده و شخص طرف اعتماد این کمیته در برلن کیست، گمان می‌رود مجمع محصلین ایرانی موسوم به (ایران) باشد. اعضای مجمع عبارت بوده‌اند از: محمد پوررضا ساکن شارلوتنبورگ کایزردام - نمره ۲۵. دکتر احمد امامی ساکن فازانر شتراسه نمره ۲۲. احمد اسداوف که معروف ما است و سابقاً سفارت ایران در برلن آنها را به عنوان کمونیست به ما شناسانده است - علی داراب نام که فرستنده است ظاهراً اسم مجعولی است و در دفاتر ثبت پلیس چنین اسمی وجود ندارد. تا به حال چندین مرتبه به Y2 oliva ۲۹۴۵ به دکتر ونر تلفن شده و بی‌نتیجه مانده است و با تجسّاتی که در منزل دکتر ونر شده معلوم گردیده است که علی داراب نامی در آن جا نیست. بنابراین احتمال دارد که دکتر ونر فوق‌الذکر شغلش جریده‌نگاری است و در ۲۹ نوامبر ۱۸۹۶ در فرانکفورت متولد شده و در برلن در پاریزر شتراسه [نمره] ۵۲ منزل دارد، یا علی داراب نامی را مخفی نگاه می‌دارد و یا این اسم را برای کار خود وضع کرده است. ونر مدیر مسئول و ناشر روزنامه پیکار است که به حروف عربی و فارسی منتشر می‌شود. دکتر ونر بکلی کمونیست است و روابط تامی با مشرق زمینی‌ها و هندوها دارد و با مرتضی علوی معروف هم که عضو جمعیت موسوم به جمهوری طلبان و انقلابیون ایران است و در مجمع لیگای ضد امپریالیسم در ۱۵ فوریه در بروکسل، در قصر اگموند نمایندگی داشته است، روابط خیلی نزدیک دارد. ونر که چندین سال در حیفا بوده شخصی است که باید از او بی‌اندازه احتراز و احتیاط کرد. مجمع نمایندگی جمهوری طلب ایرانی در ۱۷ فوریه ۱۹۳۱ در کلن منعقد بوده [و] از قرار معلوم در آن مجمع فقط ۵ نفر بوده‌اند، مذاکرات پروتستی بوده است بر ضد رژیم ترور و رضاخان پهلوی در تهران و این پروتست به جراید طرفدار چپ اروپا فرستاده شده است. این جانب به تحقیقات محرمانه [ای] که باز مشغولم ادامه می‌دهم و اگر مطالب قابل اطلاعی بدست آید باز خبر خواهم داد.

[امضاء]

## توقیف شش شماره روزنامه پیکار در پستخانه مرکزی تهران

وزارت داخله - تشکیلات کل نظمیه مملکتی - اداره: اطلاعات - بتاریخ ۱۳۱۰/۲/۱۹ - نمره ۴۸۲ - ضمیمه روزنامه - محرمانه - مستقیم مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته - اخیراً هفت نمره از جراید پیکار شماره ۴ منطبقه برلن که توسط پست برای مدیران جراید طهران ارسال شده در پستخانه مرکز به دست آمده و یک نمره آن را برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می‌دارد و شش نمره دیگرش توقیف شده است.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی: [امضاء] سرتیپ [محمدحسین] آیرم

## سند شماره ۸

# مذاکرات به عمل آمده با مقامات آلمانی جهت تعقیب مدیر روزنامه پیکار و بازگرداندن دانشجویان ایرانی مقیم آلمان

برای ملاحظه حضرت اشرف آقای وزیر دربار پهلوی تقدیم می شود  
سفارت شاهنشاهی ایران - برلن - مورخه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۰ - نمره ۵۰ - ضمیمه ۵ - محرمانه  
وزارت جلیله امور خارجه - در باب ورقه پیکار و عملیات دکتر وئر کمونیست که با کمک دو سه نفری از ایرانیان می شود، راپورت  
گزارش را تا نهم اردیبهشت در ضمن نمره ۴۱ به عرض رسانده ام و منظور از تصدیق و عرض این راپورت این است که خاطر محترم  
وزارت جلیله را از دنبال کار مستحضر داشته و متدرجاً از جریان امر بی اطلاع نگذاشته باشم تا اگر نظری و دستوری هم باشد صادر  
فرمایید اقدامات بنده را تأیید و تصحیح کند.

وزارت امور خارجه آلمان برای تعقیب نویسنده مقالاتی که در روزنامه آلمانی درج شده بود (که اصل و ترجمه آن را در هفته قبل  
ارسال داشته ام) و برای جلب دکتر وئر نویسنده ورقه و برای تبعید مرتضی علوی محتاج به مراسله و یادداشتی بود که نوشته شد و سواد  
آن هم ارسال گردید. در ضمن این خبر رسید که شماره چهارمی هم از طبع خارج کرده اند. در این موقع به دکتر گروبا رئیس اداره شرق  
تلفن شد و اظهار داشتیم که حالا دیگر کار به جایی می رسد که من هم در رفتار خودم گویا طریقه دیگری باید اختیار کنم و قدری هم بر  
حسب ضرورت تندی کردم. مذاکرات منتهی به این شد که پریروز مشارالیه باتفاق دکتر موند رئیس قسمت قضایی و امور جنایی و  
مستشار وزارت خارجه به سفارت آمدند، صحبت طولانی شد مشکلات قانونی را که محکمه عدلیه در جلوی وزارت خارجه می گذارد  
شرح دادند، مطلب کم و بیش دفاع شد و راههای قانونی که کار را سهل تر کند به آنها گفته شد و موافق آمدند و چند چیز به آنها خاطر  
نشان کردم از این قرار: اولاً اهمیتی را که این مسئله تدریجاً پیدا می کند و توجهی را که دولت ایران هم به آن خواهد داشت شرح دادم و  
گفتم بهترین دلیل این است که ماده متقابلی را که برای اقدامات خودتان لازم داشتید دولت تهیه و پیشنهاد کرد و به این سرعت هم مجلس  
شورای ملی آن را تصویب کرد (ضمناً عرض بکنم که این ماده مصوب را تا به امروز وزارت جلیله به بنده اعلام نکرده و بنده از ناحیه  
خود آنها مطلع شده ام) و در ضمن بیانی به آنها فهماندم که اگر قصد دولت ایران از اعزام محصل به اروپا و آلمان این بود که سفسطه  
انقلابی و اصول کمونیسم بیاموزند مملکت روسیه نزدیکتر بود. لهذا جلوگیری از این احوال از وظایف مختصه این جانب است و چون  
می بینم که دولت آلمان هم در حفظ روابط دوستانه مملکتین ساعی است، پس کندن ریشه این خار هم از تکلیف حتمیه شما است.

ثانیاً ماده متقابل تصویب شده و دیگر برای جلب دکتر وئر به محاکمه مانعی ندارید. گفتند این ماده از یازدهم ماه مه اعتبار قانونی  
خواهد داشت (این را هم بنده نتوانستم ملتفت شوم زیرا هنوز از وزارت جلیله به بنده هیچ اطلاعی داده نشده است) در هر حال گفتیم  
شما مقدمات کارتان را فراهم کنید تا تاریخ اعتبار قانون چند روزی بیش نمانده است.

ثالثاً<sup>(۱)</sup> چون نویسنده ورقه و کمونیست های شما خواهند هر چه بیشتر ممکن شود هیاهو کنند و عین منظور آنها این است که در افواه و  
السنه و جراید موضوعی را انتشار دهند و کار خودشان را اهمیت بدهند، مذاکرات باید در محکمه سری باشد.

رابعاً چون در جملاتی در ورقه پیکار و در مقاله منتشره گفته اند که از محاکمه خرسند<sup>(۲)</sup> هستیم و برای اثبات مطالب اقامه شهود  
می کنیم، البته منظور طفره و طول محاکمه و جنجال و فرار از ورود در متن موضوع است. بنابراین محکمه نباید در این مسائل خود را  
وارد کند، خاصه اینکه طرفین متداعینی در کار نیست و مطالب قابل اثباتی وجود ندارد. شخصی است به مملکت و مقاماتی توهین کرده  
و مطابق ماده ۱۰۳ قانون جزای خودتان باید تعقیب و محاکمه و بالاخره محکوم شود.

مذاکرات ما تا این جا موافق آمد و قرار هم شد از مدعی العموم حکمی بعهده پلیس تحصیل کنند که اصلاً مطبوعه را تحت نظر داشته  
باشند هر وقت صفحه فارسی بخوانند طبع کنند فرم و حروف را توقیف کنند و برای این کار خود این جانب هم یک نفر ایرانی  
فارسی دان به اختیار پلیس می گذارم. آقایان رفتند که با وزارت داخله پروس و عدلیه مذاکرات خودشان را بکنند و اقداماتی که بنده را  
راضی کند به موقع عمل بگذارند. عجلتاً مطلب به این جا رسیده است تا ببینم<sup>(۳)</sup> نتیجه چه می شود.

آنچه عرض کردم عبارت از کاری است که بنده می‌توانم در این جا بکنم تا دنباله آن به کجا بکشد، ولی بدیهی است که مقدری از پیشرفت این کار منوط به کمک‌هایی است که باید از تهران بشود و آن بطوری که سابقاً مکرر عرض کرده‌ام وادار کردن کسان سه نفر از ایرانیان است به اینکه اولاد خودشان را از این جا حرکت بدهند به ایران برگردند. در راپورت قبل عرض کردم که امامی و برادرش حرکت کردند. علوی را در ایران اقدام نافعی نمی‌توان کرد، زیرا هیچ الزام و اجباری در مقابل کسان و بستگان خودش ندارد و فرد منحصری شده است که با این زندگانی ننگین در دامن این و آن خوش و راضی است. اگر موفق به تبعید او از آلمان بشوم از مراکز مهمه این اساس دور می‌شود و در جای دیگر آنقدر اسباب و وسیله برای او مهیا نیست. می‌ماند عجاتاً دکتر یزدی‌زاده و دکتر بهرامی، بنده نمی‌دانم چه قسم و به چه وسیله اصلح و انسب باشد، هر اقدامی می‌فرمایید همین قدر زود و جدی و بالنتیجه باشد. این را هم عرض بکنم باید در نظر داشت هر یک از اینها به ایران بیایند فعلاً تضيیقاتی نشود مبدا سبب جبن و خودداری همقدمان آنها برای رفتن به ایران بشود. در باب پیدا کردن راه حلی یا تهیه وجهی برای راه انداختن عده [ای] از جوانان گدا و گرسنه و بی‌وسیله که در این جا بیچاره مانده‌اند و این فلاکت آنها را وادار خواهد کرد که به صورت دیگران درآیند، دیگر چیزی عرض نمی‌کنم، زیرا تصور نمی‌کنم برای یک چنین مطلب ساده و واضح و مهمی بیش از این احتیاج به تکرار و تصدیق باشد. سواد اصل و ترجمه دو فقره جوابهای مراسله و یادداشت که از وزارت خارجه آلمان رسیده و سواد مراسله که باز دیروز در باب تسریع در جلب و محاکمه دکتر ونر نوشته‌ام لفاً برای ملاحظه محترم وزارت جلیله ارسال می‌دارم. استدعا دارم متن قانون مصوب را مقرر فرمایند، هر چه زودتر به بنده برسانند.

- ۱ - در اصل: ثانیاً
- ۲ - در اصل: خورسند
- ۳ - در اصل: به بینم

#### سند شماره ۹

### یادداشت وزارت امور خارجه آلمان در مورد اقدامات به عمل آمده برای جلوگیری از تحریکات انقلابی مرتضی علوی علیه ایران

مراجعات کامپیوتر علوم اسلامی

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن

سواد ترجمه یادداشت وزارت امور خارجه آلمان - یادداشت

وزارت امور خارجه - با کمال احترام سفارت شاهنشاهی ایران را اطلاع می‌دهد که به مناسبت یادداشت مورخ ۲۹ آوریل نمره ۴۱ حاکی از اینکه از طرف بعضی اتباع ایران مقیم برلن مخصوصاً مرتضی علوی نامی تحریکات انقلابی بر علیه ایران می‌شود، به مقامات مربوطه مفاد یادداشت اطلاع داده شد تا اقدامات لازمه را برای جلوگیری این اشخاص از عملیاتی که به روابط دولتی آلمان و ایران لطمه [ای] بتواند وارد آورد بنمایند. وزارت امور خارجه باز دنباله اقدامات را اطلاع خواهد داد.

برلن سیم مه ۱۹۳۱ (۱۱)

۱ - مطابق با: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۰

#### سند شماره ۱۰

### موافقت مسئولین قضایی آلمان با تحت نظر قرار گرفتن انتشار روزنامه پیکار و عدم موافقت با تبعید مرتضی علوی از آلمان

سواد است که به مقام محترم وزارت جلیله دربار پهلوی دامت عظمته تقدیم می‌شود

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن - مورخه ۱۴ ماه خرداد ۱۳۱۰ - نمره ۵۶ - ضمیمه ۵ فقره اوراق - محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه - اینکه باز در باب ورقه پیکار عرض راپورت می‌کنم به دلیل ضرورت است و امیدوارم تصدیق نباشد. ادامه کار ما با وزارت امور خارجه این جا به نحو دلخواه می‌شود ولی اشکال عبارت از موانعی است که در عدلیه و وزارت داخله پروس و نظمیه برلن پیش می‌آید و آن هم به دلیل آن است که واقعاً تاحدی قوانین محلی جلوی دست و پای آنها را گرفته و گذشته از آن هم چون وزیر داخله پروس و رئیس کل پلیس برلن از حزب سوسیالیست هستند، تا آن اندازه که وزارت خارجه این جا مایل است گذشت‌هایی که در طرز اعمال قوانین محلی می‌تواند بر وفق منظور ما باشد به کار نمی‌برند و وزارت امور خارجه هم ملاحظه و احتیاط می‌کند که بیش از این به آنها تکلیف مساعدت بنماید. معهداً وقتی شماره [ای] را طبع کردند و در مذاکرات با رئیس اداره شرق قدری شدت کردم، مجلسی از اشخاص مربوط به این کار از وزارت عدلیه و اداره نظمیه و شخص مدعی العموم در وزارتخانه منعقد و در دو جلسه متوالی مذاکره و مطلب را باز با قوانین تطبیق کردند و نتیجه این شد که صریحاً گفتند توقیف ورقه قبل از طبع امکان قانونی ندارد و همین بود که تلگرافاً به عرض رساندم بنده قانع نشدم و تقاضا کردم مطبوعه را به طور غیر مستقیم تحت نظر پلیس قرار دهند. عاقبت در این قسمت مساعدت کردند و شماره پنجم را جمع‌آوری و شماره ششم را هم تحت سانسور گذاشتند. باید تصدیق کرد که با وجود موانع قانونی اداره پلیس سیاسی فعالیت کرد و روز ۲۷ مه خانه دکتر ونر و مطبوعه را تحت نظر قرار دادند و غفلتاً پانزده نفر پلیس به خانه دکتر ونر ریخته مقداری اوراق شماره شش را بدست آوردند و عده [ای] هم به مطبوعه رفته و مدیر مطبوعه را به نظمیه بردند. این اقدام البته خیلی مؤثر بوده و از طرفی سروصدای کمونیست‌ها و بعضی جرایم آنها را بلند کرد، من جمله دو قطعه از آن جرایم و ترجمه آنها را لفاً تقدیم داشتم که از نظر محترم بگذرد و در ضمن تعقیب مطبوعه چی مطلب دیگری هم کشف کرده‌اند که آن انتشار یک روزنامه [ای] به زبان عربی مربوط به ترکستان است و ما در آن ذی دخل نیستیم. دکتر ونر از اینکه پلیس به منزل او ریخته است فوق‌العاده متغیر شده و دست و پا می‌زند. پریروز از وزارت خارجه تقاضا کرده‌ام در محاکمه او اقدام کنند، جواب گفته محکمه مشغول تهیه مقدمات است. مدیر مطبوعه در استنطاق گفته است که دکتر ونر مدیر ورقه قراردادی با او بسته است که در ماه دو نوبت و هر نوبت دو هزار نسخه از ورقه فارسی برای او چاپ کنند و برای هر شماره سیصد مارک که در ماه ششصد مارک میشود اجرت دریافت کند و گفته است که فارسی نمی‌داند و با مندرجات ورقه کاری ندارد، مزدور است و کاسبی می‌کند. از طرفی وادار کرده‌ام با مدیر مطبوعه صحبت کنند که اگر ملتزم شود دیگر این ورقه را چاپ نکنند در حدود ششصد مارک در ماه از سفارت و قنصلگری سفارشات طبع اوراق فارسی و لوازم دفتر و غیره به او خواهیم داد. قرار شد روز سه‌شنبه نهم ژوئن<sup>(۱)</sup> به شانلری بیاید به توسط یکی از اعضای سفارت با او مذاکره کنیم شاید از این راه بتوان کاری پیش برد. حالا اگر بیاید و قبول بکند چطور بتوانیم همه ماهه و فایه چنین قراردادی بکنم یا فرضاً هم بشود فردا باز در مطبوعه دیگری ورقه [ای] به چاپ برسانند مطلبی است که بعد باید دید. علی‌العجاله چون پلیس و عدلیه صریحاً می‌گویند به موجب قانون نمی‌توانند قبل از طبع اقدامی در توقیف و سانسور بکنند، ناچار باید از این قبیل راه‌ها هم پیمود بیسیم<sup>(۲)</sup> به کجا می‌رسیم. مطلب قابل ملاحظه [ای] که مدیر مطبوعه گفته است و بنده هم حدس و قیاسی بر آن داشتم شاید در راپورتها هم عرض کرده باشم این است که گفته است هر نوبت دو هزار ورقه چاپ می‌کنم صدوپنجاه الی دویست ورقه آنرا در این جا نگه می‌دارند و بقیه را می‌بندند و با وسایلی که من نمی‌توانم اطلاعی داشته باشم به طرف ایران می‌فرستند. پریروز شنیدم علوی به لایبزیک<sup>(۳)</sup> رفته است احتمال می‌دهم حالا که مطبوعه برلن دچار تعقیب و مشکلات شده است در صدد شده باشند به مطبوعه لایبزیک که آن جا هم حروف فارسی می‌توانند طبع کنند مراجعه کنند. قنصل لایبزیک را مستحضر داشته‌ام که مراقب باشد. می‌خواهم پس فردا به لایبزیک بروم و دستور مفصل تری به قنصل بدهم. این است گزارش تا امروز که به عرض رساندم هنوز دستور کتبی به بنده مرحمت نشده است. استدعای مخصوص می‌کنم بذل توجهی بفرمایید عجلتاً بیش از این تصدیق نمی‌دهم.

محمدعلی فرزین [امضاء]

۱ - در اصل: ژون

۲ - در اصل: به بیسم

۳ - در کل سند به شکل «لایبزیک» آمده که تصحیح شده‌اند.

## مقاله روزنامه «B.z.am muttag» در اعتراض به توقیف متصدیان روزنامه پیکار توسط پلیس ایران

از روزنامه B.z.am muttag مورخه ۳۰ مه ۱۹۳۱ (۱) نمره ۱۲۳

پلیس برلن به طرز ایرانی شکار می‌کند - سانسور روزنامه بدون حکم محکمه یک اتومبیل به توسط یک اتومبیلی دیگری که در آن مأمور سیاسی نشسته‌اند تعاقب می‌شود. در اتومبیل اولی کیست؟ صاحب یک مطبعه، یک مطبعه آشکاری که برای حکومت خطرناک است. او می‌بایستی اوراق مطبوعه یک روزنامه مطرود ایرانی را در اتومبیل خود داشته باشد. همینکه اتومبیل در خیابان هامبورگ نمره ۴ Homburger Straose می‌ایستد اتومبیل مأمورین تأمینات مطبعه چیان را که از کالسه خود خارج می‌شوند و به جلو رفته آنها را جلب می‌نمایند. اتومبیل را کاوش نموده می‌خواهند روزنامه‌ها را ضبط و توقیف نمایند. قضیه مربوط است به یک روزنامه ایرانی که مخالف و بر علیه پادشاه ایران می‌باشد و از طرف مهاجرین ایرانی اشاعه می‌یابد. روزنامه (مقدونیه) Ia macedoine و (کروات) Ia croatie هم از این قبیل جراید می‌باشند. اسم این روزنامه پیکار است که معنی آن جنگ است ولی آنچه در اتومبیل به دست آمد جراید مخالف دیگری بود که با چاپ عربی بود و اسم (پاش ترکستان) یعنی (زنده باد ترکستان) را داشت. تقریباً شش هفته است که انتشار روزنامه مزبور ایرانی که مدیرش دکتر (ونر) می‌باشد ممنوع گردیده و از مطبعه تقاضا می‌نمایند که دست از چاپ این روزنامه بردارد و یا اینکه قبل از طبع نسخه آن را تسلیم پلیس (I.A.) بنمایند. چون مطبعه چنانچه از قبول این تکلیف امتناع می‌نماید مخفیاً یک نفر عربی را که حروفچین چاپخانه است تهدید می‌کنند و خبر می‌دهند که او را از آلمان اخراج خواهند کرد و از او تقاضا می‌نمایند نسخه اصلی را که برای طبع می‌آورند قبل از طبع روزنامه محرمانه به اداره پلیس بدهد. عرب هم امتناع می‌ورزد تمام شش نمره روزنامه توقیف می‌شود، چرا؟ برای آنکه پادشاه ایران خواسته است و پلیس هم به ماده ۱۰۳ قانون مجازات متکی می‌شود. ماده مزبور می‌گوید: هر کس به رئیس یک مملکت و حکومت‌کننده دولت دیگری توهین نماید، محکوم به یک هفته الی دو سال حبس خواهد شد مشروط بر اینکه آن حکومت هم چنین معامله را نسبت به دولت آلمان تضمین و منظور کرده باشد. دکتر آپفل (Dr. apfei) که دفاع ایرانیان مهاجر را بعهده گرفته، ثابت نموده است که این معامله متقابله در موقع توقیف اولین نمره روزنامه وجود نداشته و در یازدهم مه مخصوصاً پادشاه ایران این تهمه را نیز تکمیل و علاوه نموده تا بدین وسیله بتواند دهان مهاجرین برلن را بکوبد. خدمتگزاری پلیس جمهوری برلن به پادشاه دیکتاتور.

۱ - مطابق با: ۸ خرداد ۱۳۱۰

## سند شماره ۱۱

### ورود روزنامه پیکار به کرمان از طریق بوشهر

وزارت دربار پهلوی - کشف رمز کرمان - مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی - روزنامه پیکار چاپ برلن از طریق بوشهر به کرمان می‌رسد، قذغن نمایند پستخانه بوشهر مراقبت نمایند.

نمره ۱۱۷۳ [رضا] افشار

[حاشیه] به پستخانه تأکید شود.

## سند شماره ۱۱/۱

وزارت دربار پهلوی، نمره کتاب ۱۰۶۲/م، نمره قبل ۱۰۶۱/م، تاریخ تحریر ۱۳۱۰/۳/۱۷، تاریخ خروج ۱۳۱۰/۳/۱۷، محرمانه  
وزارت جلیله پست و تلگراف - از قرار راپورت تلگرافی ایالت کرمان روزنامه پیکار منظمه برلن از طریق بوشهر به کرمان فرستاده  
می شود. متمنی است به اداره پست بوشهر تأکید نمایید که از توزیع اوراق مذکوره جلوگیری و لازمه مراقبت را در این خصوص به عمل  
آورد.

[امضاء: ناخوانا]

## سند شماره ۱۱/۲

وزارت پست و تلگراف  
وزارت جلیله دربار پهلوی

تعقیب مرقومه مطاعه نمره ۱۰۶۲ مورخه ۱۰/۳/۱۷ راجع به لزوم جلوگیری از توزیع و توقیف روزنامه پیکار منظمه برلن خاطر  
مبارک را مستحضر می دارد:

که سابقاً در این باب دستور مؤکد به بوشهر داده شده بود به مجرد وصول روزنامه مزبوره تسلیم نظمی بوشهر نمایند و تاکنون هم همین  
ترتیب اجرا شده است. مع هذا برای شماره ۵ که به کرمان رسیده امروز تلگرافاً از بوشهر توضیح خواسته شد، جواب می دهد این شماره از  
دفتر بوشهر رد نشده ممکن است از دفتر عباسی در جزو بسته ای [که به شکل غیر مطبوع بوده به کرمان رد شده باشد.  
بهر صورت از دفتر عباسی هم توضیح خواسته شده و به کرمان نیز تأکید شد کاملاً در بسته های ورودی خارجه دقت و تفتیش نمایند  
که از نظایر امر جلوگیری و چنانچه نمراتی برسد تسلیم نظمی نمایند.

وزیر پست و تلگراف  
قاسم صوراسرافیل [امضاء]

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی  
سند شماره ۱۲

## توزیع روزنامه پیکار در آذربایجان و اقدامات به عمل آمده برای جلوگیری از آن

وزارت داخله - ایالت آذربایجان - به تاریخ ۱۵ خرداد سنه ۱۳۱۰ - خصوصی و محرمانه  
آقای معظم - هفته گذشته عریضه مفصلی عرض کرده ام، البته تا حال حضور مبارک تقدیم شده و ملاحظه فرموده اید. حالا هم بر  
حسب ضرورت این مختصر را<sup>(۱)</sup> عرض کرده و امیدوارم وجود مبارک در کمال سلامت و صحت مندی باشد. دو روز قبل یکی از  
شماره های اخیر روزنامه پیکار که در برلن طبع می شود و البته خاطر محترم از سابقه آن بی اطلاع نیست به یک وسیله خصوصی و  
محرمانه به دست بنده افتاد که حقیقتاً از قرائت آن خیلی متأثر و عصبانی شدم و چون به وجود چنین روزنامه ای [هیچ مطلع نبودم فوراً  
رئیس نظمی را خواستم که اگر چنین اوراقی به اینجا رسیده است به وسایل سریع جمع آوری و از انتشار آن جلوگیری کند. رئیس نظمی  
گفت اخیراً چیزی نرسیده و انتشار نیافته است، فقط چند ماه قبل بعضی از شماره های آن رسیده بود و بر حسب امر مرکز مقرر گردید  
هر چه به وسیله پست برسد در پستخانه توقیف و جلوگیری شود و از همان وقت هم جلوگیری شده است. رئیس پست را هم خواستم و  
همین طور گفت و اطمینان داد که کاملاً مراقبت شده و می شود. باز هم تأکید کردم که نهایت مراقبت را به عمل بیاورند.  
اینک عین شماره مزبور را لفاً تقدیم کردم که ملاحظه فرمایید و مسلم است که این اوراق به ایادی غیر عادی و به وسیله همان  
عناصری می رسد که این ترهات را به روزنامه دیکته می کنند. به رئیس نظمی سپردم که تفتیشات سری فوری به عمل آورده و اگر اوراق  
دیگری از این روزنامه پیش کسی باشد کشف نماید و اطلاع بدهد. به طوری که ملاحظه می فرمایید نویسنده روزنامه جسارت و بیشرمی

را به منتها درجه رسانده است و بنده حقیقتاً شرم کردم از اینکه این شماره را بوسیله دفتر مخصوص شاهنشاهی به عرض برسانم و روا ندیدم که خاطر خطیر مبارک ملوکانه را به قرائت این مزخرفات مشغول و متأثر سازم. حضرت اشرف عالی پس از ملاحظه اگر صلاح دانستید به عرض خواهید رسانید. البته نتیجه تفتیشات نظمیه را ثانیاً به عرض خواهم رسانید.

تصدقت حسین سمیعی [امضاء]

۱ - در اصل: اینستصر

## سند شماره ۱۳

### یادداشت وزارت امور خارجه به وزیر مختار آلمان در تهران مبنی بر درخواست جلوگیری از انتشار روزنامه پیکار در برلن

وزارت امور خارجه - اداره اروپا و آمریکا - سواد است

آقای وزیر مختار - شاید به اطلاع خاطر شریف رسیده باشد که نمرات ۵ و ۶ پیکار نیز در برلن طبع و نشر گردیده و نسخ آن هم به تهران رسیده است.

دوستدار نکاتی که در مراسله آن جناب مورخه ۳ ژوئن بدان اشاره شده به اطلاع مقامات مربوطه رسانیده و حسن توجه و اقدامی که از طرف دولت جمهوری آلمان و شخص آن جناب در این باب به عمل آمده مورد کمال تقدیر اولیای دولت شاهنشاهی می باشد. اینکه اشعار فرموده اند هیچ دولتی نمی تواند قبلاً طبع اوراقی را ممانعت نماید و فقط اقدامات دول در این مورد منحصر به تنبیه مقصر و جلوگیری از انتشار اوراق طبع شده می باشد، لازم است خاطر شریف را مستحضر دارد که این مسئله اصولاً صحیح و محل تصدیق دوستدار است ولی با این مورد به خصوص تطبیق نمی کند، زیرا به طوری که در مراسله سابقه خود اظهار داشته ام پس از واضح شدن مبنای این کار مطلب از صورت مسائل قضایی خارج شده و شکل دیگری پیدا کرده است. دکتر ونر کمونیست که نه تبعه ایران بوده و نه رابطه با این مملکت دارد و خود را مدیر مسئول پیکار معرفی کرده شخصاً علاقمند به تنقید اوضاع ایران نمی باشد.

وجوهی که برای طبع و نشر این ورقه مصرف می شود از کجاست؟ تمام این مسائل مدلل می کند که مملکت ایران به وسیله طبع این ورقه هدف یک سیاست و دسیسه خارجی گردیده، علیهذا چنین تصور می رود که روابط صمیمانه و دوستانه مملکتین و مصلحت عمومی این طور اقتضاء می کند که اولیای دولت متبوع آن جناب اجازه ندهند خاک آلمان مرکز تحریکات خارجی بر ضد ملت و دولت ایران قرار داده بشود، خاصه اینکه مفاسد و مضرات این تحریکات تنها متوجه دولت ایران نیست و بخود دولت آلمان و همچنین سایر دول شاید بیشتر مؤثر خواهد بود.

مسئله جلوگیری از انتشار هم که آن جناب در مراسله خود بدان اشاره فرموده اند متأسفانه صورت عملی نگرفته و به طوری که جراید برلن می نویسند، از دو هزار نسخه که در هر نوبت طبع می شود فقط شماره های محدودی ضبط و بقیه قبلاً با وسایل مخصوصه منتشر می گردد.

بدون اینکه دوستدار بخواهد در باب خط مشی دولت جمهوری آلمان در این امر اظهار عقیده نماید، خاطر شریف را مستحضر می دارد که به نظر دوستدار در نظایر این موارد که حقیقت آن کاملاً مشهود است، دول می توانند برای مصلحت مملکت و به نام سیاست و روابط خارجی خود اقداماتی را مقتضی بدانند معمول دارند. بیش از این خاطر شریف آن جناب را زحمت افزا نگردیده امیدوارم این مسأله که حایز کمال اهمیت می باشد و به ملاحظاتی که فوقاً اظهار شد مورد توجه دقیق اولیای دولت جمهوری آلمان واقع گردیده، اقداماتی را که برای قطع این ریشه فساد مقتضی می دانند مبذول فرمایند.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارد.

[حاشیه] جناب کنت شولنبورگ وزیر مختار دولت جمهوری آلمان



## یادداشت سفیر ایران در مسکو (فتح... پاکروان) به قائم مقام کمیساریای خارجه شوروی (کاراخان) در خصوص جلوگیری از همکاری کمونیستهای ایرانی مقیم مسکو با روزنامه پیکار

لومیکائیلویچ عزیزم - عطفاً به مذاکراتی که در روز ۲۶ ژوئن با شما نمودم و بر حسب تقاضای شما اینک یک نسخه از نمره آخر روزنامه پیکار را لفاً ارسال می‌دارم. بطوری که ضمن مذاکرات به شما اظهار داشتم و بر طبق اطلاعات قطعی که در دست دارم، اکثر مقالات روزنامه مزبور را اشخاصی مثل ذره و لاهوتی و دیگران در مسکو انشا نموده و به برلن می‌فرستند. دولت ایران که نهایت جدیت را برای جلوگیری از اقدامات ضد شوروی مهاجرین سفید در حدود ایران به عمل آورده و می‌آورد انتظار دارد که در اتحاد جماهیر شوروی که دولت دوست و همجوار ایران است از این گونه عملیات خصمانه که بر علیه رژیم ایران است جلوگیری خواهد شد. من اطمینان کامل دارم که شما از تشبث به اقدامات مقتضیه برای جلوگیری از عملیات ضد ایرانی این اشخاص مضایقه نخواهید فرمود. موقع را مغتنم شمرده خواهشمندم احترامات فائقه را بپذیرید.

[حاشیه:] مهر ورود به دفتر وزارت دربار پهلوی - تاریخ ۱۳۱۰/۴/۲۰ - نمره اندیکاتور - ضمیمه ۱۳۳۰م

## مذاکرات به عمل آمده بین فتح... پاکروان و کاراخان در مورد لزوم جلوگیری از توزیع روزنامه پیکار در شوروی

سفارت کبری شاهنشاهی ایران - مسکو - مورخه ۱۳ مرداد ۱۳۱۰ - نمره ۲۴۶۵ - محرمانه است

وزارت جلیله دربار پهلوی - در تعقیب معروضه ۳۱ تیرماه نمره ۱۳۴۵ به استحضار مبارک می‌رساند، در ملاقاتی که در نهم مرداد با کاراخان به عمل آمد، در باب پیکار و سایر نشریات ضدایران که تفصیل آنها در ضمن معروضه ۱۴ تیر ۱۳۱۰ نمره ۱۸۱۴ به عرض رسیده، مفصلاً مذاکره شد. در ابتدا اظهارات کاراخان را می‌توان بطریق ذیل خلاصه نمود: روزنامه پیکار در برلن طبع و نشر می‌شود و به ما مربوط نیست. رساله‌هایی هم که در روسیه طبع می‌شود و شما یک نسخه از هر کدام را برای من فرستاده بودید به زبان روسی نوشته شده و خوانندگان آنها عده قلیلی هستند و برای شما هیچ نوع اهمیتی ندارد. در خاک شوروی بر ضد سایر ممالک مثل فرانسه و انگلیس نشریات به مراتب بیشتر است و هرگز نمایندگان آن دول در جلوگیری از آنها هیچ نوع توقعی از ما نکرده‌اند. من هیچ انتظار نداشتم شما در این باب با من مکاتبه نمایید و من مخصوصاً کتباً جواب ندادم تا کار به مشاجره قلمی نکشد.

گفتم اولاً به طوریکه کراراً به شما خاطر نشان کردم، روزنامه پیکار اگر در برلن طبع و نشر می‌شود مقالات آن را در اینجا تهیه کرده و می‌فرستند، به علاوه چگونه می‌توان تصور کرد گیشه‌های روزنامه‌فروشی که در خاک شوروی در تحت کنترل دولت است روزنامه مزبور را مخصوصاً در نقاط سرحدی ایران بدون اجازه به فروش برسانند. ثانیاً رساله‌هایی که می‌گویند به زبان روسی چاپ می‌شود و دارای هیچ گونه اهمیتی نیست، من هم تصدیق دارم که برای ما هیچ گونه اهمیتی ندارند. ولی چگونه در این مملکت که بدون اجازه دولت کسی اجازه کوچکترین اقدام را ندارد، اجازه داده می‌شود که بر علیه یک دولت دوست شوروی این قبیل مزخرفات طبع و نشر شده اذهان همان عده قلیلی را هم که آن را می‌خوانند مشوب نمایند. ثالثاً شما صحبت از رساله‌های منتشره بر علیه سایر ممالک را کردید ولی آیا فراموش نموده‌اید که در ممالک مزبور هم چقدر جراید و رساله‌ها حتی به زبان روسی بر علیه رژیم مملکت شوروی طبع و نشر می‌شود. آیا این رفتار با رفتاریکه دولت ایران می‌کند و به طوری که میدانید سابقاً کلوب روسهای سفید در ایران بسته و حتی به آنها بدون اجازه حق ورود به خاک ایران را نمی‌دهند و اخیراً نیز آنها را از نقاط سرحدی دور کرده قابل مقایسه نیست.

کاراخان باز اظهارات سابقه را که مساواتیست‌ها و روسهای سفید در آذربایجان و نقاط سرحدی بر علیه ما اقدام می‌کنند تجدید کرد و گفت روزنامه‌های ایران هم به ما حمله می‌نمایند. گفتم روزنامه‌های ایران اگر بعضی اوقات چیزی می‌نویسند بر علیه رژیم شوروی

چیزی نوشته<sup>(۱)</sup> و هرگز به زمامداران مملکت شما حمله نمی‌نماید. مذاکرات در این زمینه‌ها خیلی زیاد شد و بالاخره گفتیم می‌دانید که من فوق‌العاده علاقه‌مند به استحکام دوستی ایران و شوروی هستم و تمام مساعی خود را هم در این زمینه صرف می‌نمایم. می‌خواهم با آن صراحت لهجه که دارم نه مثل نماینده ایران بلکه مثل یک دوست شما چند مسأله را به شما آشکارا بگویم: شما خواه قبول بکنید یا نکنید. اولاً باید کاملاً بدانید که این قبیل نشریات و اقدامات به هیچ وجه نتیجه ندارد. در ایران موضوع کمونیست و غیره شعر است. تمام ملت ایران و عناصر صالحه در دور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه جمعند و شخص ذات مقدس ملوکانه هم که من از خیلی نزدیک افتخار خدمتگزاری به ایشان را داشته‌ام، نظر به این که فقط مصالح مملکت ایران را در نظر دارند همیشه طرفدار دوستی با دولت شوروی بوده و هستند و من نمی‌فهمم چگونه شما از نقطه نظر منافع خودتان هم باشد به این قبیل مزخرفات اهمیت داده و قلوب تمام عناصر صالحه ایران را از خودتان آزرده می‌نمایید و علاوه کردم اگر حقیقتاً می‌خواهید با ما دوست باشید و دوستی ایران را جلب نمایید باید از این قبیل امور جلوگیری کرده و بی‌جهت<sup>(۲)</sup> تولید آزرده‌گی ننمایید.<sup>(۳)</sup>

کاراخان گفت من خیلی خوشوقت و متشکرم که با این صراحت با من حرف زدید و من نمی‌توانم پاره‌ای [حقایق را که اظهار داشتید تصدیق نکنم ولی رژیم ما طوری است که در بعضی مواقع جلوگیری از پاره‌ای [امور مشکل است. من به شما قول می‌دهم که هر قدر از دست من بریاید اقدام نمایم. امیدوارم این مذاکرات بلانتیجه نمانده باشد.

فتح... پاکروان [امضاء]

۱ - در اصل: نه نوشته

۲ - در اصل: بی‌جهت

۳ - در اصل: نه نباید

سند شماره ۱۶

## ارسال شماره ۸ روزنامه پیکار به زبان فارسی و آلمانی برای مدیر روزنامه تبریز

وزارت داخله - تشکیلات کل نظمیه مملکتی - اداره سیاسی - به تاریخ ۱۳۱۰/۵/۱۷ - شماره ۱۷۵۷ - محرمانه  
مقام منبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکت - طبق راپورت نظمیه تبریز اخیراً شماره ۸ روزنامه پیکار منطعه آلمان به زبان فارسی و آلمانی به عنوان مدیر جریده تبریز در پاکت سر بسته رسیده بود که از اداره محترم لشکر شمال غرب به نظمیه ارسال می‌دارند و رئیس پست و تلگراف ابالتی متعذر است چون از مرکز برای کنترل<sup>(۱)</sup> پاکات پستی خارجه دستوری نرسیده و پاکت مزبور سر بسته بوده بدین جهت به صاحبش رد شده گرچه ممکن است روزنامه مذکور از لحاظ مبارک گذشته باشد ولی چون رسیده بود لفاً تقدیم گردید. ضمناً نظمیه تبریز تقاضا کرده برای جلوگیری از نشر این گونه اوراق پاکات پستی خارجه قبل از توزیع در پستخانه با حضور مأمور مخصوص نظمیه کنترل و سپس توزیع گردد.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی - سرتیپ [محمدحسین] آبرم

[امضاء]

[حاشیه] با آقای وزیر پست مذاکره شود.

۱ - در اصل: کترو

سند شماره ۱۷

## پیدا شدن هشت نسخه از روزنامه پیکار در کیسه‌های پستی ارسالی از برلن

وزارت پست و تلگراف - [نمره] ۱۹۳۵۱/۵/۱۰ [۱۳] - محرمانه

وزارت جلیله دربار پهلوی، استحضاراً معروض می‌دارد که از قرار راپورت اداره ایالتی پست تهران، جوف مرسولات کیسه‌های پستی<sup>(۱)</sup> شماره ۲۱۳ مورخه اول ماه اوت ۱۹۳۱ ارسالی از برلین که در پستخانه باز و تفتیش شده، هشت نسخه به شماره ۱۰ پیکار که در پاکت جای داده شده کشف و تسلیم اداره سیاسی نظمیته گردیده است. متمنی است در صورت مقتضی به شرف عرض خاکپای مهر اعتلای مقدس بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه برسانند.

وزیر پست و تلگراف: قاسم صوراسرافیل [امضاء]

۱ - در اصل: وپش

## سند شماره ۱۸

### ارتباط محمدحسن میرزا (ولیعهد احمدشاه قاجار) با متصدیان روزنامه پیکار

(دفتر مخصوص شاهنشاهی) - مورخه ۱۳۱۰/۶/۱۰ - شماره ۱۰۳۰ از مسکو  
حضرت اشرف تیمورتاش - بطور محرمانه اطلاع پیدا کردم محمدحسن میرزا با پیکاریها رابطه پیدا کرده و گویا وجهی هم برای روزنامه مزبور فرستاده است.

نمره ۲۸۵۷ = پاکروان

## سند شماره ۱۹

### ترجمه مقاله روزنامه برلینر تاگبلاط در مورد جریان محاکمه مدیر روزنامه برلینر ام مورگن و متصدیان روزنامه پیکار

وزارت امور خارجه - ترجمه از برلینر تاگبلاط - مورخه ۱۹ فوریه ۱۹۳۳<sup>(۱)</sup>

شاه توهین شده

شکایت به علت توهین به اعلیحضرت

در محکمه جنحه محاکمه بر علیه پنج نفر که به شاه ایران توهین نموده بودند شروع شده است. بنابراین باید انتظار دیدن نمایش نادری را داشت که در آن مملکت جمهوری، سلطان مملکت دیگری را بر علیه اظهار اینکه مستبد است حفظ می‌نماید. تاریخچه این موضوع که از لحاظ قضایی پیچیده و در هم است، لطف مخصوصی دارد. قضیه از این جا شروع شد که علوی محصل ایرانی در روزنامه پیکار که در برلین انتشار می‌یافت، حملاتی بر ضد رضاخان نمود و بعداً شاه باستناد ماده ۱۰۳ که توهین به رئیس مملکت خارجی را به حبس تهدید می‌نماید، تقاضای تعقیب قضیه را نمود. اما اشکال قضایی بدو مانع تعقیب شد تا آنکه بالاخره شاه با تهدیدات اقتصادی رفتار متقابل نمود. زیرا معلوم نبود که مطابق همان ماده که معامله متقابل می‌بایستی تضمین شده باشد، رئیس جمهوری آلمان که رئیس مملکت محسوب نمی‌شود از توهین - مصون است. پس از آن روزنامه پیکار توقیف و علوی در پروس تبعید شد.

در این ضمن روزنامه Berlin am morgen موضوع را تعقیب نمود و شاه ایران را مستبد شرقی نامید. عمال قضایی مجدداً به حرکت آمدند و مدعی العموم تقاضای تعقیب مدیر مسئول روزنامه را نمود ولی محکمه بدوی عرض حال را رد نمود به استدلال اینکه رئیس جمهوری در ایران نمی‌تواند از این حق قانونی معامله متقابل استفاده نماید. برای اینکه رئیس جمهوری سلطان نیست.

مدعی العموم از این رأی استیناف داد و حکم فسخ شد و محکمه برخلاف محکمه بدوی شروع به محاکمه نموده است و علاوه بر مدیر مسئول روزنامه، علوی محصل و Kieswetter نویسنده و دکتر Elixwoif و Wehner به علت توهین تعقیب می‌شوند و اگر بگذارند دلیلی برای اثبات مدعای خود در محاکمه بیاورند، محاکمه خیلی جالب توجه خواهد شد.

۱ - مطابق با: ۴ اسفند ۱۳۱۰

## سند شماره ۲۰

### انتشار روزنامه نهضت در برلن

وزارت امور خارجه - اداره اروپا و آمریکا - نمره ۴۱۲۵۵ - تاریخ ۱۳۱۰/۱۲/۱۵ - محرمانه است  
وزارت جلیله دربار پهلوی - از سفارت شاهنشاهی مقیم برلن با تلگراف اطلاع رسید که روزنامه [ای] به نام نهضت در اول ماه مارس در برلن منتشر شده. لهذا به وزارت پست و تلگراف و اداره نظمی نوشته شد که از انتشار روزنامه مزبور جلوگیری نمایند.  
حسنعلی غفاری [امضاء] [مهر وزارت امور خارجه]

## سند شماره ۲۱

### توقیف روزنامه نهضت و تعقیب مدیر و نویسندگان توسط پلیس برلن، به عنوان دنباله روزنامه پیکار

وزارت امور خارجه - نمره ۴۱۷۷۲ - تاریخ ۱۳۱۰/۱۲/۱۷ - فوری و محرمانه  
وزارت جلیله دربار پهلوی - وزیر مختار آلمان با تلفن به اداره اروپا اطلاع می دهد که راجع به روزنامه نهضت، منتشره در برلن نظریات وزارت امور خارجه شاهنشاهی را با تلگراف به دولت خود اطلاع داده، الساعه تلگرافی از برلن رسیده مبنی بر اینکه روزنامه نهضت که دنباله نشریات پیکار به نظر می آمد در تاریخ پنجم مارس توقیف شد و این توقیف بر طبق نظر وزارت خارجه آلمان بوده. محاکمه [ای] بر علیه رینکا مدیر روزنامه شروع شده. اقداماتی از طرف پلیس نسبت به فرخی که نویسنده روزنامه بوده به عمل آمده. یک محاکمه جنایی بر علیه مطبوعه [ای] که روزنامه را چاپ کرده به عنوان شریک و همدست در این اقدام طرح گردیده. مقامات صالحه وعده می دهند که تسریعات لازمه در این قضیه بنمایند. از وزیر مختار آلمان نسبت به اقدامات جدی که در این باب از طرف دولت معزنی الیها به عمل آمده اظهار امتنان شد.

حسنعلی غفاری [امضاء] [مهر وزارت امور خارجه]

## سند شماره ۲۲

### اقدامات به عمل آمده برای جلوگیری از انتشار روزنامه نهضت در آلمان و ایران

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن - مورخه ۱۸ ماه اسفند ۱۳۱۰ - نمره ۲۲۵۱ - ضمیمه ۱ - محرمانه  
وزارت جلیله دربار معظم پهلوی دامت عظمته - در دهم اسفند روزنامه [ای] به نام نهضت به فارسی در برلن منتشره شده است که [نسخه ای] از آن تلوأ تقدیم می گردد. تا دیروز آن را کسی ندیده بود و معلوم می شود برای آنکه از انتشار آن در ایران به موقع جلوگیری شود، چند روزی از نشر نسخه ها در خود برلن خودداری می کنند. بوسیله وزارت جلیله امور خارجه به وزارت پست و تلگراف اطلاع داده شد تا از نشر و توزیع روزنامه مزبور در ایران خودداری فرمایند. با وزارت خارجه آلمان هم مذاکره و بالاخره قرار شد آن را عجلتاً قائم مقام روزنامه پیکار تلقی کرده و نسخه های موجود را ضبط و طبع آن را هم توقیف نمایند تا اگر اقدامات دیگری ضرورت داشته باشد به عمل آید.

عنایتا... سمعی [امضاء]

## تعقیب و توقیف متصدیان روزنامه نهضت توسط عدلیه آلمان، به عنوان دنباله و جانشین روزنامه پیکار

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن - مورخه ۲۴ ماه اسفند ۱۳۱۰ - نمره ۲۲۶۵ - عقبه معروضه ۲۲۵۱ - محرمانه  
 وزارت جلیله دربار معظم پهلوی دامت عظمه - پس از مراجعه به وزارت عدلیه بالاخره روزنامه نهضت را دنباله و جانشین پیکار تشخیص دادند و قرار شد مدیر و طبعه و حروفچین متصدی طبع و انتشار آن را به موجب یکی از فرامینی که چندی قبل از ناحیه ریاست جمهور صادر شده بود تعقیب نمایند. مدعی العموم تا دو روز دیگر عرض حالی به محکمه خواهد داد و اطمینان حاصل است که مجرمین محکوم به حبس خواهند گردید. من باب استحضار خاطر مبارک عرض می‌کنم که وزارت خارجه آلمان نسبت به این مسائل خیلی ابراز مساعدت می‌کنند و با علاقه خاصی مطالب سفارت را اصفا<sup>(۱)</sup> و قضایا را تعقیب می‌نمایند والا خود بنده به تنهایی و با عدم اطلاع به قوانین محل و کیفیت اختیارات دولت و محاکم قادر نبودم که راه علاج را به این زودی پیدا کرده و مامورین آلمان را در مقابل مواد قوانین ملزم به اقدامی نمایم. در خاتمه چنانچه اجازه بفرمایید عرض می‌کنم که کارهای سفارت ترتیب خوشی ندارد. بنده هستم و یک نفر اتاشه. آقای مدحت نائب سفارت که بصیرت به زبان و احوال محل دارند هنوز هم در رم گرفتارند و به عنوان اینکه تاکنون تکلیف سفارت آن جا معلوم نشده وزارت جلیله امور خارجه اجازه نمیدهند مشارالیه معاودت نماید و تصدیق می‌فرمایید که صرف نظر از سایر امور تنها کار ترجمه و مراقبت جراید یک نفر مامور خاصی لازم دارد. این است که استدعا می‌کنم توجهی مبذول و امر فرمایید اجازه مراجعت آقای مدحت را زودتر صادر نمایند.

عنایت... سمیعی [امضاء]



۱ - گوش دادن به سخن کسی

سند شماره ۲۴

## محاکمه مدیر روزنامه پیکار (دکتر ونر) و نویسنده آن (مرتضی علوی) و اصرار روزنامه‌های آلمانی مبنی بر علنی بودن جلسات دادگاه

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن - مورخه ۱۳/ماه ۱۳۱۱/۱ - نمره ۲۳ - محرمانه  
 وزارت جلیله دربار پهلوی دامت عظمه - پس فردای دوشنبه محاکمه دکتر ونر مدیر روزنامه پیکار و علوی نویسنده آن منعقد می‌شود. امروز در اداره شرقیه وزارت خارجه آلمان با حضور مدیرکل وزارت خارجه مدتی مشغول مذاکره بودیم. جراید و خیلی از محافل اصرار دارند جلسات علنی باشد و خلاف آن را مناقص قانون اساسی آلمان می‌شمارند ولی وزارت خارجه به استناد اینکه علنی بودن محاکمه مضر به انتظامات داخلی و امنیت مملکت است ابرام در مخفی بودن آن می‌نماید و قرار است که پس فردا مدعی العموم تقاضای مخفی شدن محاکمه را بکند<sup>(۱)</sup> و تقریباً اطمینان حاصل است که محکمه هم موافقت نماید. به علوی هم برای مدافعه در حضور محکمه پنج روز اجازه داده شده است که به برلن بیاید. در این باب بنده خیلی مذاکره کردم که شاید از اقدام مزبور خودداری کنند ولی وزارت خارجه آلمان موافقت نکرد، زیرا هم مخالف قانون می‌شمردند و هم خلاف مصلحت و بالاخره گفتند که اقدام به محاکمه حضرات از ناحیه دولت آلمان است و ناچار برای تحصیل موفقیت خود ما تمام تدابیر ممکنه را اتخاذ و اجرا<sup>(۲)</sup> می‌کنیم و منع علوی از حضور در محکمه و دفاع خود علاوه بر آنکه اشکال قانونی دارد سبب حمله جراید و احزاب شده و تولید جبار و جنجال کرده و مجرمین را در نظر افکار عمومی مظلوم واقعی نشان خواهد داد.

عنایت... سمیعی [امضاء]

۱ - در اصل: به کند  
 ۲ - در اصل: اجری

## گزارش سفارت ایران در مسکو در مورد انتشار روزنامه نهضت در مسکو

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران - مسکو - نمره: ۱۷۷ - مورخه: ۱۶/ فروردین/ ۱۳۱۱ - خیلی محرمانه است

وزارت جلیله دربار پهلوی - در تعقیب تلگراف نمره ۵۵ شماره ۱ روزنامه نهضت مورخه ۱۰ اسفند را که جانشین روزنامه پیکار و در برلن طبع می شود لفاً تقدیم می دارد. موضوعی که دارای اهمیت بوده و می خواهم نظر مبارک را نسبت به آن جلب نمایم این است که روزنامه مزبور به وسیله همان شخصی که تفصیل آن را در موقعی که در مسکو تشریف داشتید به عرض رساندم به بنده رسیده است و مشارالیه می گفت که روزنامه مزبور را از روی میز ذره نام بدون اینکه مشارالیه ملتفت بشود برداشته و برای بنده آورده است. روزنامه را به همان شکلی که برای بنده آورده تقدیم می دارد و خطوطی که با مداد قرمز زیر بعضی جملات کشیده شده در روی آن موجود بود. بعلاوه در بالای صفحه دویم اسامی دو سه نفر که از قرار معلوم به توسط آنها روزنامه به ایران فرستاده می شود به مداد نوشته شده است. چون این قبیل اطلاعات به بنده به وسیله همان شخص یعنی یک وسیله مستقیم می رسد البته به صحت و سقم آنها نمی توان اعتماد کامل داشت و ممکن است حضرات مخصوصاً اسامی اشخاصی را که با آنها طرفیت دارند به این شکل در روی روزنامه نوشته و به این وسیله به بنده برسانند. بدیهی است کشف حقیقت امر بسته به تحقیقات دقیقه و عمیق اداره نظمی است. در هر صورت استدعا می کنم به فوریت بنده را هم از نتیجه تحقیقاتی که خواهد شد مستحضر بفرمایند، زیرا که به این وسیله خواهم فهمید که منبع و مأخذ اطلاعات بنده تا چه اندازه موثق و قابل اعتماد است.

فتح... پاکروان [امضاء]

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## مذاکرت به عمل آمده با مقامات آلمانی در رد ادعای محکمه آلمان مبنی بر نابرابری مفاهیم سلطان و رئیس جمهور و تلاش جهت اخراج نویسنده روزنامه نهضت از آلمان

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن - مورخه: ۱۸/ ماه فروردین/ ۱۳۱۱<sup>(۱)</sup> - نمره: ۳۱ - فوری و محرمانه

وزارت جلیله دربار معظم پهلوی دامت عظمته - پریشب راجع به جریان محاکمه ناشرین پیکار تلگرافی عرض کردم، متأسفانه اقداماتی که تاکنون شده است به عکس نتیجه داده و قضیه نقل مجالس و موضوع قلمفرسائی اغلب جراید گشته، با این تفاوت که مثل سابق حمله مستقیم نمی کنند بلکه از راه تمهیدات سیاسی یا به صورت بیان اظهارات و مدافعات مدعی علیهم چیزهایی نشر می دهند که خود و مستقلاً مسئول شناخته نشده و مشمول قانون اخیرالتصویب نگردند. جان کلام این جاست که محکمه می گوید قانون اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ حمل به ماسبق نمی شود و دو نمره اخیر روزنامه پیکار هم توهینی ننموده است تا گرفتار اثر آن قانون<sup>(۲)</sup> گردد. بنابراین باید متوسل به ماده ۴۰ قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ گردید و چون در قانون مزبور قناعت به ذکر سلاطین شده و آلمان هم مملکت جمهوری است و بالتبع نمی تواند از مدلول آن استفاده کند. ماده ۱۰۳ قانون جزای آلمان که مبتنی بر شرط معامله متقابل است در مورد مبتلا به قابل اجرا<sup>(۳)</sup> نیست.

در این صورت باید یکی از دو امر را اثبات نمود: ۱- سلطان اطلاق به رئیس جمهور می شود ۲- دو نمره اخیر روزنامه پیکار هم

نسبت [به] مقام منبع سلطنت عظمی موهن بوده است. راجع به قسمت دوم در سفارت هیچ اثری نیست، زیرا چنانکه عرض کردم دوسیه عمل را جناب مستطاب اجل آقای فرزین با خود برده و تسلیم وزارت جلیله امور خارجه کرده‌اند و تا به حال اعاده نشده است. در خارج که هر چه جستجو کردم دو نسخه اخیر پیکار به دست نیامد، از سفارت پاریس خواستام پس از آنکه رسید می‌توان اتخاذ نظر نمود. در باب قسمت اول به عقیده بنده اثبات آن آسان بوده و مدعی العموم کوتاهی و یا در خودداری از توضیح تعمد کرده است. زیرا اولاً سلطان به معنی صاحب سلطه است بدون هیچ شرط و قیدی راجع به کیفیت سلطه و اقتدارت او اولاً سلطان - البستان همه مؤید این نظر است و می‌توانند در کتابخانه برلن مراجعه نمایند.

ثانیاً - کرازا چه در طهران جناب اشرف رئیس الوزرا و وزارت جلیله امور خارجه به سفارت آلمان و چه در این جا سفارت ایران به وزارت خارجه آلمان معنی و تعبیر فوق را رسماً گفته و اعلام داشته‌اند و محکمه نمی‌بایست اعتنا به این مسئله نکرده باشد. ثالثاً - موقع وضع قانون محرم جمهوری‌های متعدد و ممالک دیگری که رؤسای آنها در عرف ما سلاطین خطاب نمی‌شدند و نسبت به ایران در ردیف دول متحابه<sup>(۴)</sup> به شمار می‌آمدند نیز بودند که به اقتضای مناسبات بین‌المللی ضرورت داشت استفاده از قانون مزبور کرده و از هر گونه هتک و توهینی در مملکت ما مصون باشند و به همین نظر بود که قانونگذار برای احتراز از هر گونه استثنی و تبعیض لغت عمومی سلاطین را اختیار نمود که شامل همه باشد.

رابعاً - اگر محکمه در توصیف معنای سلطان به مبانی فوق متکی نشود و فقط عرف و مصطلح عامه را مأخذ قرار دهد، نقض غرض کرده است. زیرا سلطان در عرف اروپا اطلاق به پادشاهان عثمانی می‌شود و حال آنکه در ایران معنی را از آن کلمه نمی‌فهمیم. تمام این مطالب را به وزارت خارجه آلمان تذکر دادم و تصدیق هم کردند الا اینکه می‌گویند برای افتتاح محکمه لازم است مدارک دیگری هم از قبیل سابقه یا کتب حقوقی از محققین ایرانی در این باب و فتاوی از حقوقدانهای ایران در زمینه تفسیری که می‌کنید به محکمه ارائه شود و نیز وزارت عدلیه ایران رسماً در این باب اظهار عقیده بنماید. حالا اگر مصلحت دانستند مقرر خواهند فرمود که تلگرافاً عرض شده مدارک لازمه را تهیه و ارسال دارند، شاید بهانه رفع و در استیناف موفقیتی به دست آید.

اگر چه این مدت قلیل کافی نیست که قضاوت قریب به یقین در باب اوضاع آلمان و رویه دولت بنماید. با این حال آنچه استنباط می‌شود این است که از یک جهت دولت قادر نیست به طوری که باید این نوع امور را جداً تعقیب کرده و مفسده‌جویان را مجازات بدهد و از جهت دیگر اقتضای منافع آن قسمی است که نمی‌خواهد به توقعات حقه ما ترتیب اثر قائل شود، زیرا:

اولاً - قوه عامله و مجریه دولت آلمان حکومت پروس است که در دست سوسیالیستها قرار گرفته و حتی القوه نمی‌خواهند آزادی قلم را محدود کنند. حزب اشتراکی هم در مجلس قدرت زیاد دارد و با وضعیت فعلی آلمان و توجه دولت به انتخاب هیندبورگ و استقامتی که حزب مزبور در حمایت از همفکرهای خود بروز می‌دهند، دولت را مجبور کرده است که بیش از حد اعتدال رعایت افکار دسته‌های مخالف را بنماید و این کیفیات و حملات جراید در محاکم هم تأثیر کرده و آنانرا نیز محتاط نموده است.

ثانیاً - دایره تبلیغات روسها در آلمان و مخصوصاً در برلن خیلی وسیع و قوی است و بدون شبهه روزنامه پیکار و نهضت و امثال آنها با اطلاعات و سرمایه مؤسسات روسی اداره می‌شود، نهایت یکی دو نفر ایرانی بی‌مغز هم آلت می‌شوند. بنابراین من غیر مستقیم روسها از کارکنان این نوع تأسیسات حمایت می‌کنند. تکیه آلمان به روسیه و منافع هنگفتی هم که از قبل روسها می‌برند این حمایت را قوی و مؤثر می‌کند. به عبارت آخری مطالب ما را از نظر نزاکت و توقعات مأمورین روس را از لحاظ تأمین منافع خود تلقی می‌کنند. این است که راجع به تعقیب ناشرین پیکار و امثال آنها به نظر بنده متعمدانه مسامحه می‌کنند. دلیل بر این نظر طرز مدافعه مدعی العموم و جریان محاکمه، اجازه حضور مدیر جراید در محکمه که قرار بود مطلقاً مخفی منعقد شود، اجازه به مدعی علیه در اثبات کیفیات اظهارات و نشریات پیکار، رویه‌ای که در اخراج فرخی تعقیب می‌کنند و بعد تفصیل آن عرض می‌شود، منتشر شدن صورت مذاکرات متداعیین در بدو انعقاد محکمه. تندر به قوانین و آزادی قلم و فکر اگر تا حدی صحیح باشد مطلقاً صحیح نیست، فرانسه و بلژیک [و] سوئیس هم کم و بیش با نظیر همین قوانین اداره می‌شوند ولی اگر در سوئیس یک نفر ایرانی عشر این حرکات را کرده بودند، بلادرنگ اخراج یا تعقیب می‌شد و این رویه مسامحه کارانه دولت آلمان نیست مگر برای آنکه نمی‌خواهند تمام مقدور خود را به کار برند.

اما در باب فرخی که مضمون به تحریر روزنامه نهضت بود، پس از مذاکرات زیاد قرار شد بعنوان آنکه وسیله معاش ندارد اجازه اقامت به او ندهند. خاصه آنکه در تذکره او تاکنون اجازه مزبور داده نشده است. در ملاقات اخیر از این چنین اقدامی مضایقه کرده و تکلیف می‌نمودند که از طرف سفارت و اداره پلیس به او اشاره شود که خود به صداقت طبع برلن (آلمان) را ترک گوید والا در اخراج او اقدام خواهد شد و متعزرنه به اینکه جراید و دسته‌های مخالف دولت مانع هستند و اخراج نوع فرخی را وسیله حمله و تعرض قرار

می‌دهند و مطابق قانون و حق حمایتی که این قبیل عناصر دارند، اعتراض مخالفین وارد جلوه خواهد کرد. از طرف دیگر بنده هم مطمئنم که به هیچ قیمتی فرخی حاضر نخواهد شد که برلن را ترک نماید، زیرا دو سه مرتبه ملاقات این معنی را می‌رساند و به طوری که می‌گفت در این زمینه‌ها به حضرت اشرف نیز عرایض نموده است. دیروز شبنامه وقیح و شدیدی هم به فارسی منتشر شد. به عقیده بنده کار فرخی است زیرا هم عبارات و هم خط شبیه به انشاء و صورت خط او است و چون یک نسخه بیشتر نتوانست به دست بیاورد و آن را هم برای تعقیب مذاکرات با وزارت خارجه لازم بود تقدیم نمود.

عجالتاً به عقیده بنده بهتر است بفرمایید مدارک و فتاوی که مدد کار مدعی العموم است تهیه کرده بفرستند. راجع به جریان محاکمه در استیناف با سفارت آلمان مذاکرات مؤثری بشود و همچنین اخراج فرخی را جدأ بخواهند و در عین حال تهدیدی هم در قطع بعضی مناسبات از قبیل عدم خرید از آلمان و نفرستادن شاگرد و نخواستن متخصص و انفصال مستخدمین آلمانی که فعلاً در کار هستند به سفارت در طهران و به وزارت خارجه در این جا بشود. البته مجموع این تدابیر مؤثر واقع می‌شود و بر فرض هم که مطلوب حاصل نگردد، دلیل نخواهد داشت که تهدیدات را به موقع اجرا نگذاریم و از علایق اقتصادی خود با آلمان صرف نظر نکنیم.

عنایت... سمعی [امضاء]

- ۱ - در اصل: ۱۳۱۰
- ۲ - در اصل: آنتون
- ۳ - در اصل: اجری
- ۴ - یکدیگر را دوست گیرند

### سند شماره ۲۷

## محکومیت مدیر روزنامه نهضت به سه ماه حبس

دفتر مخصوص شاهنشاهی - مورخه ۱۳۱۱/۱/۲۱ - شماره ۸۹ - از برلن به طهران

حضرت اشرف وزیر دربار - دپرواز مدیر نهضت در [محکمه] ابتدایی به سه ماه حبس محکوم گردید. نمره ۱۹۵

عنایت... سمعی

### سند شماره ۲۸

## مراسله اداره شرق وزارت خارجه آلمان در مورد اقدامات به عمل آمده جهت تعقیب نویسندگان مقالات روزنامه‌های آلمانی علیه جریان محاکمه متصدیان روزنامه‌های پیکار و نهضت

سفارت شاهنشاهی ایران - برلن - سواد ترجمه مراسله وزارت امور خارجه آلمان

آقای وزیر مختار - در تعقیب مراسله محترم مورخ ۲۹ آوریل و دوم مه نمره ۴۰ و ۴۴ محترماً تصدیع می‌دهد، وزارت امور خارجه از مقامات مربوطه تقاضا نموده است که بر علیه دکتر کارل ونر و مقاله او تحت عنوان (برلن در ایران واقع است) و در روزنامه ۲۲ آوریل برلین ام مرگن مندرج شده و همچنین بر علیه (ارنست کیزوتر) و مقاله او که به عنوان (توهین به اعلیحضرت) در روزنامه برلینر تریبون مورخ ۱۸ آوریل درج شده است، تعقیبات جزایی به عمل آورند. دنباله اقدامات را بعداً عرض خواهد کرد.

مستدعی است احترامات فائقه - دکتر گروبا



## سند شماره ۲۹

### محکومیت مدیر روزنامه پیکار (دکتر ونر) به یک ماه و نیم حبس

وزارت امور خارجه - اداره اروپا و آمریکا - نمره ۷۱۰۳۱۱۰/۱۴۰۵۵ - تاریخ ۱۱/۴/۱۳ [۱۳] - فوری است  
وزارت جلیله دربار پهلوی - البته خاطر مبارک از محکومیت دکتر ونر مدیر پیکار مستحضر می‌باشد. معذالک سواد تلگرافی که در  
این باب از سفارت شاهنشاهی مقیم برلن رسیده ذیلاً درج می‌نماید:  
«دکتر ونر مدیر مسئول پیکار به یک ماه و نیم حبس محکوم گردیده. انتهى»

محمدعلی فروغی: [امضاء]  
[مهر وزارت امور خارجه]

## سند شماره ۳۰

### انتشار روزنامه پیکار بصورت شبنامه، تحت مدیریت محمود پایدار در اتریش

وزارت امور خارجه - اداره اروپا و آمریکا - نمره ۷۱۰۳۱۱۰/۱۹۲۱۱ - تاریخ ۱۱/۵/۳۰ [۱۳] - محرمانه است  
وزارت جلیله دربار پهلوی - سفارت شاهنشاهی مقیم رم با تلگراف اطلاع می‌دهد که در شهر وین<sup>(۱)</sup> پیکار به صورت شبنامه تحت  
مدیریت محمود پایدار منتشر شده، فوراً دستور داده شد که تفصیل توقیف پیکار و محکومیت کارکنان آن را در آلمان، به دولت اتریش  
اطلاع داده و جلوگیری از آن را فوراً تقاضا نمایند. هر خبری بعداً در این باب واصل گردد به استحضار خاطر مبارک خواهد رسانید.  
حسنعلی غفاری [امضاء] [مهر وزارت امور خارجه]

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱ - در اصل: وینه